

پرونده‌ی صلح افغانی به فرجام می‌رسد؟



خبر گفت‌وگوهای پنهان اشرف غنی و سران طالبان، به هیچ روی به کسانی که رویدادهای افغانستان را دنبال می‌کنند، خبر شگفت‌انگیزی نیست. حامد کرزی نیز در ۱۳ سال گذشته بارها چنین گفت‌وگوهایی را در مقاطع خاص با فرماندهان و سران گروه طالبان آغاز کرد و با ناامیدی تمام و بدون رسیدن به نتیجه‌ی مشخصی به پایان برد.

تلاش‌های حامد کرزی برای رسیدن به توافق سیاسی با طالبان، جدی‌ترین بخش از کارنامه‌ی زمامداری اوست. هرچند در مواقعی با خوش‌بینی زیاد، از مهارت‌های سیاست‌گذاران پاکستانی و حامیان جهانی آن‌ها بی‌خبر ماند. ترور برهان‌الدین ربانی، رییس شورای عالی صلح افغانستان در خزان ۲۰۱۱ میلادی، آن‌هم توسط «سفیر صلح طالبان»، نمونه‌ای از این رویکرد به صلح بود.

کرزی بیش‌تر از ۲۰ بار به اسلام‌آباد رفت و شاید در حاشیه‌ی ده‌ها نشست بزرگ و کوچک جهانی در مورد افغانستان، از جنرال‌ها و دولت‌مردان پاکستانی طلب حمایت کرد. رهایی نزدیک به هفت‌صد زندانی طالب از بازداشتگاه بگرام، سیاست برادر خواندن طالبان و فراخوان پیاپی صلح به گروهی که مردم افغانستان...



چاک هیگل: جنگ ما علیه القاعده در افغانستان ادامه می‌یابد



دادستانی کل: تطبیق حکم دادگاه عالی در مورد قضیه‌ی کابل بانک جریان دارد



آلمان سالانه ۵۲۹ میلیون دالر به افغانستان کمک می‌کند



پیوند هنر و رنج در نمایشگاهی در ژنو

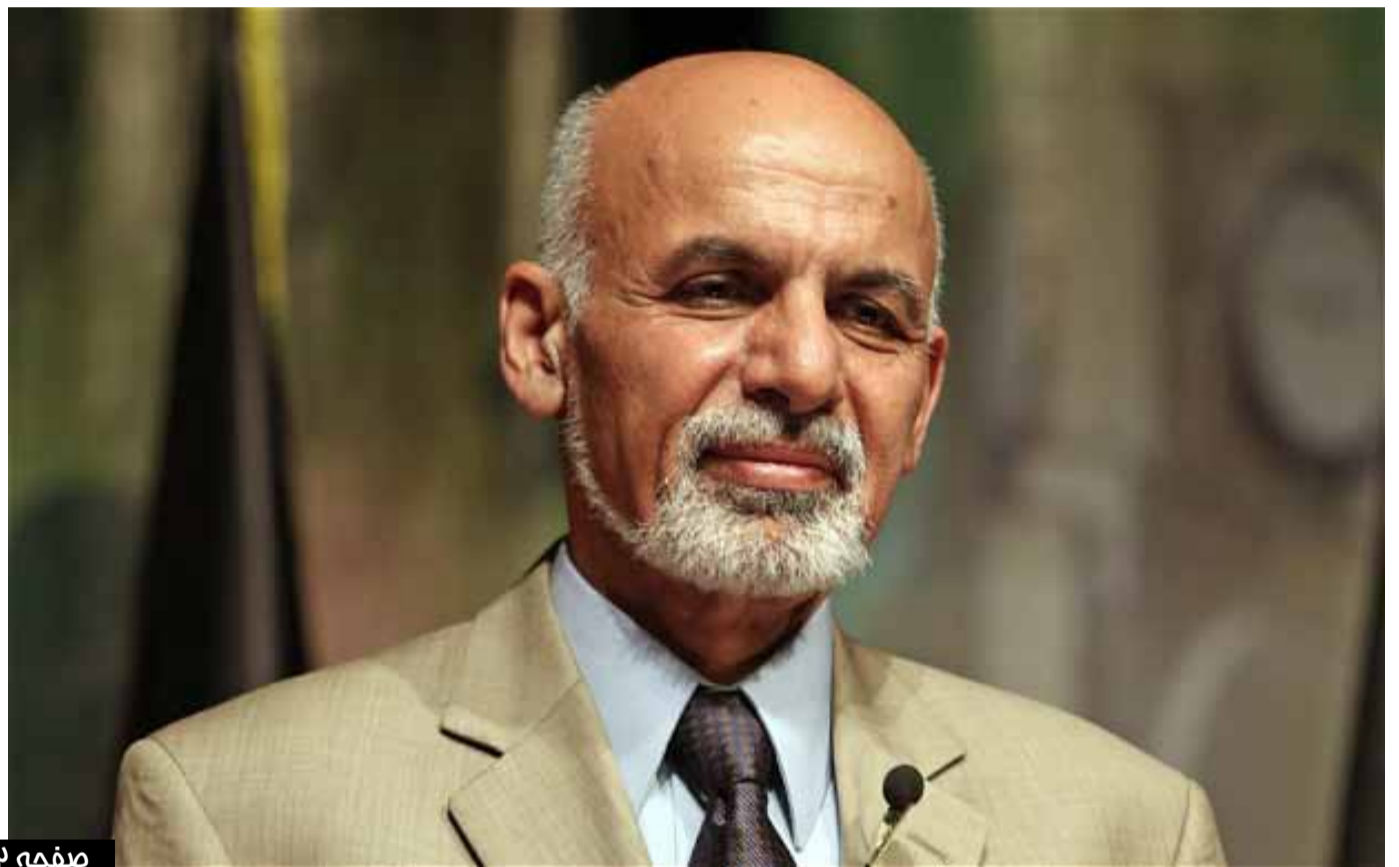


گوتزه کفش‌هایش را هدیه می‌دهد



اشرف غنی:

از پادرمیانی چین برای مذاکره با طالبان، استقبال می‌کنیم



صفحه ۲

صفحه ۳

نیاز به روایت‌های مبتنی بر شواهد از وضعیت جوانان افغانستان



در اوایل امسال، کانگرس ایالات متحده کمک‌های توسعه‌ی‌اش را برای افغانستان به نصف رساند. اما باز هم، تعهد کمک میلیارد دلاری آن کشور به افغانستان باقی است. از سال ۲۰۰۱ بدین‌سو، اقتصاد افغانستان و نهادهای نوپای آن تا حدود زیادی بر کمک‌های خارجی استوار بوده‌اند. اکنون افغانستان با چالش‌هایی روبه‌روست: کار بیش‌تر با پول کمتر، جنگ با شورشیان و ایجاد شغل برای جمعیت در حال افزایش جوانان. با رسیدن به پایان ۲۰۱۴ و خروج سربازان ناتو، مسئولیت‌های زیاد امنیتی، سیاسی و اقتصادی برای حفظ افغانستان، بر شانه‌های خود مردم افغانستان قرار می‌گیرند. همه‌ی این تغییرات نیازمند درک درست و روایت دقیق از افغانستان اند تا تصویر ما از امیدواری‌ها و چالش‌های فراراه مردم افغانستان واقعی باشد. سروی سالانه‌ی دیدگاه‌های مردم افغانستان که توسط بنیاد آسیا انجام شده است، چشم‌انداز مهمی از دیدگاه‌های مردم در برهه‌ی حساس گذار برای ما فراهم می‌کند. این سروی، بیکاری را دلیل عمده‌ی بدبینی مردم افغانستان ذکر می‌کند و می‌گوید که بیکاری باعث شده است که مردم فکر کنند، کشورشان به جهت درستی در حرکت نیست. چنین نگاهی، از سال ۲۰۰۶ تا حالا به نقطه‌ی اوجش رسیده است. ۳۳،۱ درصد مصاحبه‌شوندگان، بیکاری را بزرگ‌ترین مشکل داخلی افغانستان ذکر کرده‌اند.

صفحه ۴

فصل جدید کمک‌های جامعه‌ی جهانی و ضرورت مبارزه با فساد



کنفرانس لندن که برای تجدید کمک جامعه‌ی جهانی به دولت و مردم افغانستان برگزار گردیده بود و در آن بیش از هفتاد کشور و نهاد خیریه‌ی جهانی، رییس‌جمهور کشور، رییس‌اجرای و سایر مقام‌های دولتی و نمایندگان نهادهای مدنی افغانستان شرکت کرده بودند، موقفانه پایان یافت. کشورهای اشتراک‌کننده و نهادهای جهانی متعهد به تداوم همکاری با افغانستان شدند. در این کنفرانس محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور از برنامه‌های دولت و نیازمندی دولت و مردم افغانستان سخن گفت و برای اعتمادسازی کشورهای کمک‌کننده، امضای پیمان‌های امنیتی با ایالات متحده و ناتو، بازگشایی پرونده‌ی کابل بانک و بررسی آن از سوی دادگاه عالی را از جمله‌ی دست‌آوردهای حکومت جدید برشمرد و از کشورهای شرکت‌کننده خواست که افغانستان را پس از ختم مأموریت نیروهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۴، تنها نگذارند. رییس‌جمهور غنی فقر را یکی از نارسایی‌های جامعه‌ی افغانستان معرفی کرد و گفت که بر اثر فقر در افغانستان مواد مخدر تولید می‌شود و برنامه‌ی اصلاحات دولت او مبتنی بر فقرزدایی است که با تحقق آن هر شهروندان افغانستانی صاحب شغل خواهند شد. نکته‌ی قوت این کنفرانس این بود که ایالات متحده و بریتانیا وعده دادند که افغانستان...

یک‌شنبه
۱۶ قوس
۱۳۹۳
سال سوم
شماره ۷۲۶



یادداشت روز

افغانستان و امریکا، درک مشترک در مبارزه با تروریسم

.....*کله* هادی صادقی

یک سال پیش، پایان ۲۰۱۴ یا ختم مأموریت نظامی ناتو، به کابوس وحشت‌ناکی برای مردم افغانستان تبدیل شده بود. نهادها و رسانه‌های داخلی و خارجی آن طرف این گردونه‌ی حساس را با فرضیه‌های مایوس کننده و منفی ترسیم می‌کردند و مردم افغانستان آینده‌شان را تاریک و ترسناک می‌دیدند. شروع جنگ‌های داخلی، ترک و فراموشی افغانستان از سوی جامعه‌ی جهانی، بازگشت دوباره‌ی طالبان، گسترش ناامنی، سقوط دولت و شروع هرج‌ومرج، فرضیه‌های غالب در ارتباط با آینده‌ی افغانستان بودند. برخی نهادها و رسانه‌های غربی آینده‌ی افغانستان را چنان منفی و مایوس کننده صفحه می‌بستند که جای هیچ‌گونه تأمل و پرسش را باقی نمی‌گذاشتند و تمامی روزنه‌های امید و افق‌های روشن را می‌بستند. به همین خاطر، در نتیجه‌ی این القائات منفی، موج فرار سرمایه از کشور شروع شد، کاروبار مردم در بازار از رونق افتاد، روحیه‌ی مردم تضعیف شد و گروه‌های تروریستی در افغانستان دوباره نیرو و انگیزه گرفتند.

رابطه‌ی کج‌دار و مریض حکومت رییس جمهور کرزی با امریکا و تصادم و تنش دوام‌دار میان آن‌ها، این تصور را قوی‌تر ساخت و مردم را نسبت به آینده‌ی کشورشان پس از ۲۰۱۴ و در نبود نیروهای خارجی، بیش‌تر بدبین و ناامید کرد. در آن زمان تجدید نظر در استراتژی نظامی امریکا در افغانستان بعید به نظر می‌رسید و تمدید مأموریت نظامی سربازان این کشور و بازگشت به سیاست جنگ با گروه‌های تروریستی یک خوش‌خیالی محض پنداشته می‌شد. اما امروز، این خوش‌خیالی به واقعیت پیوسته است. با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی، موافقت‌نامه‌های امنیتی با امریکا و ناتو که کرزی دو سال تمام از امضای آن سرباز زده بود، امضا شد و در کنفرانس لندن کمک‌های جامعه‌ی جهانی برای ده سال آینده‌ی افغانستان تضمین گردید. باراک اوباما با درک ضرورت مبارزه با تروریسم، مأموریت رزمی سربازان امریکایی را برای یک سال دیگر تمدید کرد؛ تعداد سربازانی که فرار است پس از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی بمانند را افزایش داد و رییس جمهور غنی نیز به عملیات‌های شبانه برای تعقیب و دستگیری عوامل تروریستی و مخالفان مسلح دولت اجازه داد. بدین ترتیب، امریکا و دولت افغانستان بار دیگر اندک به اندک به سیاست جنگ با تروریسم به افغانستان بازگشتند؛ امری که دوسال پیش ترک شد و در نتیجه‌ی آن گروه‌های تروریستی در افغانستان دوباره قدرت گرفتند و ناامنی گسترش یافت. تاوان این استراتژی ناستجیده را هنوز هم دولت افغانستان و ایالات متحده‌ی امریکا می‌پردازند.

با شروع به کار حکومت وحدت ملی، زمینه‌ی خوبی برای همکاری‌های نزدیک افغانستان با متحدان غربی‌اش، خصوصا ایالات متحده‌ی امریکا فراهم شده است. با گام‌هایی که از سوی هردو جانب برداشته می‌شوند، کم کم وضعیت به سمت سال‌های نخست مبارزه با تروریسم بازمی‌گردد و هردو جانب بیش‌تر به همکاری‌ها و هماهنگی‌های مشترک احساس نیاز می‌کنند.

نکته‌ی مثبت این است که افغانستان و ایالات متحده‌ی امریکا هردو به درک مشترکی از چگونگی مبارزه با تروریسم و ضرورت همکاری‌های امنیتی و نظامی مشترک رسیده‌اند. حکومت وحدت ملی این را درک کرده که افغانستان برای پیروزی در جنگ با تروریسم، تحکیم صلح و امنیت و توسعه‌ی اقتصادی به کمک‌های غرب و رابطه‌ی استراتژیک با متحدان غربی‌اش، خصوصا امریکا، ضرورت دارد. آن‌ها می‌دانند که حمایت غرب در فصل جاری تنها ضامن موفقیت در مبارزه با تروریسم و توسعه‌ی اقتصادی در کشور است. از این‌رو، تلاش می‌کنند عواملی را که در همکاری آن‌ها اصطکاک خلق می‌کنند، از میان بردارند و زمینه‌ی همکاری‌های دوام‌دار را فراهم سازند. از سوی دیگر، ایالات متحده‌ی امریکا به‌خوبی می‌داند که مبارزه با تروریسم در افغانستان هنوز به فرجام نرسیده و در صورت ترک افغانستان، خطر القاعده و طالب برای آن‌ها بار دیگر زنده می‌شود. افزون برآن، آن‌ها به‌خوبی می‌دانند که افغانستان در خط نخست جبهه‌ی مبارزه با تروریسم بین‌المللی قرار گرفته و برای امنیت آن، باید این جبهه را تقویت کرد. با توجه به درک نیاز متقابل، زمینه‌ی خوبی برای همکاری‌های بیش‌تر میان دولت افغانستان و متحدان غربی‌اش، خصوصا ایالات متحده‌ی امریکا فراهم شده است.

اطلاعات روز: محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور می‌گوید، از پادرمیانی چین برای مذاکره با طالبان، استقبال می‌کند. به گفته‌ی او، حکومت وحدت ملی تلاش دارد نسخه‌ی جدیدی از گفت‌وگوهای صلح را با کمک چین روی دست گیرد. غنی تأکید کرد که با شماری از کشورهای افغانستان مذاکره کرده است. همسایه، از جمله چین برای رسیدن به صلح در افغانستان مذاکره کرده است. اشرف غنی این اظهارات را در نشست خبری مشترک با آنگلا مرکل، نخست‌وزیر آلمان در برلین بیان کرد. غنی در این نشست گفت، با توجه به روابط چین و پاکستان، چین نقش اساسی را در برقراری صلح در افغانستان بازی می‌تواند. رییس

جمهور می‌گوید که اکنون این کار در مرحله‌ی ابتدایی قرار دارد و دولت برای رفتن به جلو به فکر یک راهکار جامع است. اخیراً گزارش‌هایی به نشر رسیدند که دولت وحدت ملی و نمایندگان طالبان برای رسیدن به صلح، مخفیانه در حال مذاکره‌اند. گفته می‌شود که این نشست‌ها زیر نظر سازمان ملل به منظور برگشت گروه طالبان به زندگی سیاسی انجام می‌شوند. بر اساس گزارش‌ها، کشورهای عربستان و چین برای پیشرفت این مذاکرات پیش‌قدم شده‌اند. تا کنون دولت در باره‌ی مذاکرات پنهانی با طالبان واکنشی نشان نداده است. طالبان نیز در این مورد هنوز چیزی نگفته است. اما گروه طالبان

در سال‌های گذشته گفت‌وگوهای صلح با دولت را وابسته به خروج کامل نیروهای خارجی از کشور عنوان کرده بود. اشرف غنی چند روز بعد از مراسم ادای سوگند به عربستان و بعد به چین سفر کرد. کار روی موافقت‌نامه‌ی صلح

در همین حال، دفتر رسانه‌های ریاست جمهوری با نشر خبرنامه‌ای اعلام کرد، رییس جمهور در دیدار با نخست‌وزیر آلمان در مورد روابط دو جانبه، گسترش مناسبات تجارتی، روند صلح، آموزش مسلکی نیروهای امنیتی افغان و مسایل منطقه‌ای، بحث و تبادل نظر کردند.

بر اساس این خبرنامه، نخست‌وزیر آلمان از مأموریت نیروهای آن کشور در شمال کشور

اشرف غنی:

از پادر میانی چین برای مذاکره با طالبان، استقبال می‌کنیم

و هم‌چنان کمک و همکاری‌های آلمان در عرصه‌های انکشافی، معارف و آموزش پولیس یادآوری کرد و گفت که آلمان به کمک و همکاری‌های خویش در عرصه‌های مختلف با مردم افغانستان پس از این نیز ادامه می‌دهد.

هم‌چنان محمد اشرف غنی گفته است که پرورسی صلح در افغانستان باید تحت رهبری افغان‌ها به پیش برود و ما در این راستا به همکاری و حمایت جامعه‌ی جهانی نیاز داریم. او تأکید کرده است که ما می‌خواهیم با کشورهای منطقه برای همکاری‌های منطقه‌ای روی یک موافقت‌نامه‌ی صلح کار نماییم که منفعت همه در آن نهفته باشد.

چاک هیگل: جنگ ما علیه القاعده در افغانستان ادامه می‌یابد

حالی وارد کابل شد که چندی پیش از سمت خود به عنوان وزیر دفاع امریکا استفا داده است. باراک اوباما، رییس جمهور امریکا په‌تازگی اشتون کارتر را به سمت وزیر دفاع جدید این کشور معرفی کرده است. تا زمانی که آقای اشتون از سوی مجلس سنای این کشور تأیید نشود، هیگل وزیر دفاع امریکا باقی خواهد ماند. این نخستین سفر وزیر دفاع امریکا به کابل پس از امضای توافق‌نامه‌ی امنیتی بین افغانستان و امریکا است.

ناتو تأمین می‌شدند و به دلیل تأخیر در امضای موافقت‌نامه‌ی «وضعیت نیروها» میان افغانستان و ناتو، این کشورها هنوز آماده‌ی این کار نشده‌اند. چاک هیگل، وزیر دفاع امریکا دیروز در یک سفر غیرمنتظره وارد کابل شد. جنرال جان کمپبل، فرمانده کل نیروهای بین‌المللی در افغانستان از سفر آقای هیگل در کابل استقبال کرد. هیگل در این سفر با شماری از جنرالان نظامی امریکایی مستقر در کشور نیز دیدار کرد. چاک هیگل در

پیش‌تر اعلام شده بود که با پایان مأموریت رزمی امریکا در افغانستان، تنها ۹۸۰۰ سرباز امریکایی در افغانستان باقی خواهند ماند و مأموریت اصلی شان آموزش، مشوره‌دهی و حمایت از نیروهای امنیتی کشور است. هیگل شب گذشته در یک نشست خبری با محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور در کابل گفت، این تغییر در تعداد نیروها به دستور باراک اوباما و به منظور پرکردن خلای نیروهایی است که باید از سوی دیگر کشورهای عضو

اطلاعات روز: چاک هیگل، وزیر دفاع پیشین امریکا تأکید کرد، کشورش هرگز اجازه نمی‌دهد که افغانستان بار دیگر به پناه‌گاه القاعده و حامیانش تبدیل شود. او افزود که یک نیروی محدود ضدتروریسم مبارزه علیه القاعده و حامیانش را در افغانستان پس از ۲۰۱۴ ادامه خواهد داد.

هیگل در ادامه گفت که کشورش خروج یک هزار سربازش از افغانستان را در پایان سال جاری میلادی برای چند ماه به تأخیر انداخته است.

دادستانی کل:

تطبیق حکم دادگاه عالی در مورد قضیه‌ی کابل بانک جریان دارد

۱۲،۵ میلیون دالر قرضه‌های کابل بانک جمع‌آوری شده و تلاش می‌شود قرضه‌های متباقی نیز به خزانه‌ی دولت برگردانده شوند. کابل بانک در سال ۲۰۱۰ میلادی پس از برداشت بیش از ۹۰۰ میلیون دالر توسط سهام‌دارانش، ورشکست شد. در زمان حامد کرزی، رییس جمهور سابق کشور این قضیه حل نشده باقی ماند؛ اما اشرف غنی، رییس جمهور جدید در روزهای اول کاری‌اش دستور داد این قضیه بازگشایی و افراد دخیل در بحران کابل بانک مورد پیگرد عدلی قرار گیرند.

پنج‌شنبه گذشته (۱۳ قوس) رییسان سابق کابل بانک را به ده سال زندان محکوم کرد و نیز دارایی‌های محمود کرزی و حصین فهیم را مسدود نمود. یک‌ماه قبل دادگاه استیناف خلیل‌الله فیروزی و شیرخان فرنون، رییسان سابق کابل بانک را به ده سال زندان و جریمه‌ی نقدی محکوم کرد. این دادگاه هم‌چنان حکم داده است که دارایی‌های قرض‌داران دیگر کابل بانک مسدود شوند و این فیصله از سوی دادگاه عالی در هفته‌ی گذشته تأیید شد. سخنگوی دادستانی کل دیروز به پڑواک گفت، در چند هفته‌ی اخیر

که دادستانی کل حکم را بر همه‌ی جوانب دخیل در این پرونده به‌صورت یک‌سان تطبیق می‌کند.

سخنگوی دادستانی کل هم‌چنان از قرض‌داران کابل بانک خواست که به‌زودی قرضه‌های‌شان را با مدیریت تصفیه‌ی این بانک حل و فصل کنند؛ در حال حاضر تمام سرمایه و جایدهای قرض‌داران کابل بانک مسدود اند، جایدهای آنان زمانی از این حالت بیرون می‌شوند که تمام حساب‌های‌شان با مدیریت تصفیه‌ی این بانک صفر شود. پس از حکم دادگاه استیناف، دادگاه عالی به روز

اطلاعات روز: مقام‌های دادستانی کل اعلام کردند که آنان پس از حکم دادگاه نهایی در مورد قضیه‌ی کابل بانک، کار تطبیق این فیصله‌ها را آغاز کرده‌اند. بصیر عزیززی، سخنگوی این دادستانی دیروز گفت که در حال حاضر تطبیق قانون تنفیذ حکم دادگاه نهایی از سوی دادستانی کل جریان دارد. او افزود، اشخاص محکوم به مجازات در پیوند به قضیه‌ی کابل بانک در زندان به سر می‌برند و دادستانی کل در حال حاضر در تلاش بازداشت فراریان دخیل در پرونده و قرض‌داران این بانک است. او تأکید کرد

آلمان سالانه ۵۲۹ میلیون دالر به افغانستان کمک می‌کند

گذشته پس از امریکا از کشورهای مهم کمک کننده در بخش‌های مختلف برای افغانستان بوده است. این کشور پس از امریکا و انگلیس با ۵ هزار نظامی، بیش‌ترین نیروی نظامی را در کشور داشته است. بر اساس آمارهای ارائه شده، در ۱۳ سال گذشته حدود ۵۵ نظامی آلمان در جنگ با طالبان و انفجار ماین‌ها در کشور کشته شده‌اند. اکنون بیش از ۱۵۰۰ سرباز این کشور در برخی از مناطق کشور مستقر اند.

با محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور بیان کرد. خانم مرکل در این نشست تعهد کرد، کشورش پس از سال ۲۰۱۴ افغانستان را در بخش‌های توسعه‌ی اقتصادی و انکشاف معارف نیز حمایت می‌کند. به‌دنبال آن محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور از کمک‌های آلمان در جریان ۱۳ سال گذشته به افغانستان قدردانی کرد و گفت که جان‌فشانی‌های سربازان این کشور برای ما قابل قدر است. آلمان در جریان ۱۳ سال

آلمانی پس از پایان مأموریت جنگی ناتو در افغانستان باقی بمانند. قرار است مأموریت جنگی نیروهای ناتو در پایان سال روان در کشور پایان یابد. آنگلا مرکل، نخست‌وزیر آلمان می‌گوید که کشورش پس از سال ۲۰۱۴ افغانستان را تنها نمی‌گذارد.

او گفت که کمک‌های کشورش در بخش‌های توسعه‌ای و آموزش نیروهای امنیتی افغان ادامه می‌یابد. او این اظهارات را شام روز جمعه در نشست خبری مشترک

اطلاعات روز: پارلمان آلمان تأیید کرده است که پس از سال ۲۰۱۴ سالانه ۵۲۹ میلیون دالر امریکایی را برای پیش‌برد برنامه‌های توسعه‌ای در افغانستان به مصرف می‌رساند. در مورد این‌که این کمک‌ها تا چه زمانی ادامه می‌یابند، جزئیات داده نشده است. در حال حاضر آلمان در صدر لیست کشورهای کمک‌کننده‌ی مالی به افغانستان قرار گرفته است. اعضای پارلمان آلمان به روز جمعه هفته‌ی گذشته تأیید کردند که ۸۵۰ سرباز

سیستم جدید انرژی قابل تجدید در مزار شریف ایجاد می‌شود

این نخستین بار است که در شهر مزار شریف سیستم تولید انرژی قابل تجدید ایجاد می‌شود. با گذشت حدود ۱۳ سال از حضور خارجی‌ها در کشور، هنوز بیش‌تر برق مورد نیاز از ازبکستان و تاجیکستان وارد می‌شود. مردم از حکومت جدید تقاضا دارند که در قسمت ایجاد بندهای برق در داخل کشور تلاش کند.

که از کثافات شهر مزار شریف برق مورد نیاز این شهر را تولید کند. اختری در ادامه گفت، اکنون شهر مزار شریف به بیش از ۴۰ میکاوت برق ضرورت دارد و با ایجاد سیستم جدید تولید انرژی قابل تجدید، نیاز برق در این شهر رفع می‌شود. به گفته‌ی او، سیستم مذکور قادر به تولید ۸۰ میکاوات برق دوام‌دار خواهد بود.

سال آینده توسط سازمان ایکو در شهر مزار شریف ایجاد می‌شود. ذبیح‌الله اختری، رییس سکتوری ولایت بلخ به رادیو آزادی گفت، سازمان ایکو به درخواست مسئولان بلندپایه‌ی بلخ، از میان ۱۰ کشور آسیایی قرارداد یک پروژه‌ی ۸۰ میلیون دلری تولید برق را به شهر مزار شریف اختصاص داده است. به گفته‌ی او، این سیستم قادر است

اطلاعات روز: مسئولان در ولایت بلخ در شمال کشور می‌گویند که به ارزش ۸۰ میلیون دالر امریکایی یک سیستم جدید انرژی قابل تجدید در شهر مزار شریف ایجاد می‌شود. به گفته‌ی آنان، از این سیستم، حدود ۸۰ مگاوات برق از کثافات شهر مزار شریف برای باشندگان این شهر تولید می‌شود. سیستم انرژی قابل تجدید

فرمانده جدید پولیس کابل:

برای تأمین امنیت کابل، تصمیم قاطع دارم

او در اخیر تأکید کرد که در بخش‌های تغییر و تبدیل پرسونل امنیتی سلیقه‌ای برخورد نمی‌کند. عبدالرحمان رحیمی پس از استعفای جنرال ظاهر ظاهر، به عنوان فرمانده جدید پولیس کابل تعیین شد. جنرال رحیمی در گذشته به عنوان فرمانده پولیس ولایت بلخ نیز اجرای وظیفه کرده است.

او هم‌چنان از نیروهای پولیس خواست که در حین انجام وظایف‌شان، بیدار باشند. رحیمی در ادامه‌ی سخنانش خواستار تقویت کیفیت کاری پولیس شد. او از نیروهای پولیس نیز خواست که مبارزه با فسادهای اخلاقی و اداری را در اولویت‌شان قرار دهند؛ زیرا این دو نوع فساد، مدیریت پولیس را ضعیف می‌کند.



خبرنگار وارانشی

هادی دریایی

نسخه‌ی من!

گفته می‌شود دولت وحدت ملی، برای رسیدن به مصالحه با پاکستان، قصد دارد کمک و نبوغ دولت چین را در زمینه به تجربه بنشیند. گپ خوب است. ظاهراً توجه این طلب همکاری از دولت چین، دوستی دیرینه و همکاری‌های گسترده‌ی دولت چین و دولت پاکستان می‌باشد. خیال خوشی که از طرف دولت ما ساطع شده، تأثیرگذاری دولت چین روی دولت‌مردان پاکستان می‌باشد. یعنی اگر چین در آوردن صلح به افغانستان یا آدم کردن شورشیان طالب، اراده کند، می‌تواند روی پاکستان فشار بیاورد تا از تصصیرات افغانستان بگذرد و طالبان را پشت میز مذاکره حاضر نماید. رییس جمهور محترم ما در آلمان با آنگلا مرکل گفته که با دولت چین در خصوص میانجی‌گری‌اش برای به مصالحه کشاندن طالبان، گفت‌وگو کرده و از اقدامات دولت چین استقبال خواهد کرد. یعنی رییس جمهور که رویش نمی‌شود تمام مشکلات مصالحه را به گردن پاکستان بیاویزد، این طوری به ما ملت همیشه ملت فهمنده که من گره کور مسئله را پیدا کرده‌ام و گره‌بازکن را هم قناعت داده‌ام. من شخصا به این مسئله خوش‌بینم. حداقل آقای رییس جمهور بعد از آن که به پاکستان سفر کرد و دولت‌مردان و بزرگان پاکستان را دید، چنین می‌فرماید. (فکر می‌کنم عنوان متفکر جهان درست باشد).

اما وزیر داخله‌ی پیشین که همانا جلالت‌مآب عمر داوودزی باشد، چنین می‌فرماید: تمنای صلح از پاکستان، نسخه‌ی آزموده شده است. نسخه‌ی که حکومت آقای کرزی سیزده سال تمام آن را به آزمایش گرفت و نتیجه نداد. فکر نمی‌کنم عمر داوودزی حرف مفت بزند. ایشان مدت درازی سفیر افغانستان در پاکستان بود و می‌توان گفت که معلومات مفیدی در زمینه دارد. اما نسخه‌ی را که آقای داوودزی پیش کش می‌کند، نسخه‌ی خوبی نیست. نسخه‌ی آقای داوودزی، عمل بالمثل است. عمل بالمثل زمانی مفید است که افغانستان حداقل یکی از بزرگ‌ترین منابع اقتصادی و معیشتی‌اش، پاکستان نباشد. حالا که به لطف تمام سال‌های گذشته، وابستگی اقتصادی ما به پاکستان از شدت لازم برخوردار است و اگر دولت پاکستان قطع رابطه کند، محشری در افغانستان برپا خواهد شد. چرا؟ چون ما یک مقدار تاجر داریم که با بروز مشکلات در روابط سیاسی افغانستان با کشورهای همسایه (حداقل پاکستان)، قیمت کالا را چندبرابر می‌کنند. از طرف دیگر، اقتصاد مصرفی ما، نفس احتیاج انسان افغانستانی را به رقم کشورهای صادر کننده به افغانستان رقم زده است و بدون شک، پاکستان یکی از بزرگ‌ترین صادر کنندگان کالای مصرفی به افغانستان است. این را از این بابت گفتیم که عمل بالمثل، مقدار خشم دولت پاکستان را بالا برده و در نهایت آن‌ها دو کار می‌کنند.

۱- با ما قطع رابطه می‌کنند.

۲- ارسال انتحاری و شلیک موشک بالای افغانستان را چندبرابر می‌کنند و از جاسوسان جافنده‌ی‌شان در تشکیلات نیروهای امنیتی ما استفاده می‌کنند و خودتان می‌دانید دیگه، واولا!

حالا نوبت می‌رسد به مقایسه‌ی چین و امریکا در تأثیرگذاری روی دولت پاکستان. آقای کرزی بارها در دوران حکومتش گفت که پاکستان و امریکا، اگر خواهان صلح در افغانستان باشند، صلح و ثبات در کشور می‌آید و اگر این دو کشور، در زمینه، صداقت عمل نداشته باشند، ما به صلح نمی‌رسیم. فکر نمی‌کنید کمی حق با آقای کرزی بوده؟ صحبت‌های آقای داوودزی نیز نشان از عدم تمایل پاکستان به صلح در افغانستان می‌باشد. دولت پاکستان، حالا به هر دلیلی، از نامنی در افغانستان یا لذت می‌برد یا سود. مهم نیست که لذت می‌برد یا سود؛ اما خواهان صلح در افغانستان نیست. اگر پاکستان از نامنی در افغانستان سود ببرد، مسلماً رضایت خاطر چین نباید آن قدر مهم باشد که منفعت پاکستان را در این خصوص از بین ببرد. از طرف دیگر، روابط چین و پاکستان نیز روی منافع مشترک استوار است و چین در برخورد یا تعامل با پاکستان، قطعاً این منافع را در نظر خواهد گرفت. پس گزینه‌ی میانجی‌گری چین در خصوص مصالحه، شبیه قمار است (نه، فکر نمی‌کنم عنوان متفکر جهان درست باشد).

پس چه درست است؟ به باور من، ما توانایی برخورد و عمل بالمثل با پاکستان را نداریم. موفقیت چین در میانجی‌گری بین دولت و مخالفان مسلح، تضمین شده نیست، همان گونه که از امریکا نبود. پاکستان هم خواهان صلح در افغانستان نیست. آن چه در توان دولت است، حمله و نابودی طالبان در داخل افغانستان است. شرط این است که آقای رییس جمهور، مواظب تمام مقام‌های امنیتی باشد و مهره‌های پاکستان در درون نیروهای امنیتی کشور را شناسایی کرده و از راه بردارد. نیروهای امنیتی افغانستان بدون شک، توانایی مقابله و جنگ با طالبان را در درون افغانستان دارد، اگر نداشت، پروسه‌ی انتقال مسئولیت‌های امنیتی معنا نداشت. آقای رییس جمهور و رییس اجرائی، اول باید مهره‌های پاکستان را بشناسند و دست‌شان را کوتاه کنند، بعد در پی نابودی مخالفان مسلح برآیند. در غیر آن، آن چه برجا می‌ماند، کشته‌های بی‌گناهان است که قربانی معامله‌ی مقام‌های رده‌بالای امنیتی با پاکستان شده‌اند.

البته این به این معنا نیست که حکومت وحدت ملی باید دست از مصالحه و گفت‌وگو بردارد، بلکه این به عنوان اهرم فشار، در گفت‌وگوها مؤثر خواهد بود. طالبان باید خطری احساس کنند تا وارد مذاکره شوند. وقتی آن‌ها با دولت و نیروهای امنیتی منفعل طرف باشند، مذاکره و مصالحه، خیری برای آن‌ها ندارد. لذا حکومت وحدت ملی باید در پی مذاکره برای مصالحه باشد؛ اما در کنارش، روی مواضع و پایگاه‌های طالبان در افغانستان، به‌صورت مداوم حمله کند. این بود نسخه‌ی من، امید که رییس جمهور بخواند!

نیاز به روایت‌های مبتنی بر شواهد از وضعیت جوانان افغانستان

نویسنده: حامد حکیمی

برگردان: جواد زاولستانی

منبع: بنیاد آسیا



تأثیر روایت‌های خوش‌بینانه از

زندگی جوانان افغانستان مثبت

است؛ اما در عین زمان، می‌تواند

باعث اشتباه در اولویت‌بندی

پالیسی‌ها و برنامه‌های کاری برای

جوانان شود و ما را در رابطه به

مسائل واقعی جوانان گمراه کند.

در عصر جهانی‌شدن، ارتباطات

انسانی قوی و چالش‌های جدید

که در برابر دولت‌ها و جوامع سر

بر آورده‌اند، نیاز جدی و فوری

به اطلاعات قابل اعتماد وجود

دارد. این معلومات به ما کمک

خواهد کرد تا داستان واقعی را

بیان کنیم و آن را در مرکز توجه

برای ساختن پالیسی قرار دهیم

تا بتوانیم به روایت‌های دقیق از

وضعیت دست یابیم.

معلومات به ما کمک خواهد کرد تا داستان واقعی را بیان کنیم و آن را در مرکز توجه برای ساختن پالیسی قرار دهیم تا بتوانیم به روایت‌های دقیق از وضعیت دست یابیم.

افغانستان در تاریخ معاصرش، بر سر چهارراه بی‌نظیری قرار گرفته است که هم چشم‌اندازی برای پیشرفت را در پیش رو دارد و هم شامگاه انحطاط و عقب‌گرد را. فشار از طرف جامعه‌ی بین‌المللی که از دولت افغانستان می‌خواهند مسئولیت‌پذیر باشد و کمک‌های توسعه‌ی در حال کاهش را به‌طور سیستماتیک مصرف کند، برای افغانستان یک چالش است؛ اما ساختن یک حکومت جدید و رسیدن به یک توافق منطقه‌ای بر سر این موضوع که ثابت در افغانستان پیش‌ضرورت ثبات در منطقه است، فرصت‌های واقعی برای این کشور خلق می‌کند. به‌صورت خاص، این فرصت‌های جدید با تلاش‌های تازه‌ی افغانستان برای تعریف جایگاهش در منطقه و جهان ارتباط دارد.

پالیسی‌سازان و سیاست‌گذاران بین‌المللی و افغانستان نیاز دارند که تحلیل معلومات را در کشوری که از هیچ چیز خود آمار ابتدایی ندارد، در مرکز تلاش‌های‌شان قرار دهند. سروی‌ای سالانه که توسط بنیاد آسیا انجام شده و دیگر سروی‌های نظیر آن، آنان را در این راستا یاری می‌کند. در عین زمان، نیاز فوری وجود دارد که روایت‌ها از اوضاع در افغانستان، غیرامنیتی و غیرنظامی شوند. مردم افغانستان شایسته‌ی روایت انسانی از وضعیت‌شان اند و تنها خودشان می‌توانند آن را تعریف کنند.

خواست‌ها، امیدواری‌ها و نگرانی‌های واقعی آنان در میان روایت‌های بیش از حد ساده‌انگاره، گم می‌شوند. با آن که گسترش رسانه‌های جدید در سال‌های اخیر در افغانستان نقش مثبتی در برجسته ساختن جمعیت جوان کشور بازی کرده است، پوشش‌های تلویزیونی و رادیویی نمی‌توانند جایگزین اطلاعات تحقیقی قابل اعتماد گردند. برای مثال، علی‌رغم مزه‌مه‌های خوش‌بینانه در رسانه‌های بین‌المللی، به‌ویژه در رابطه به این که رای جوانان نتایج انتخابات ریاست جمهوری امسال را تغییر داد، شواهد نشان می‌دهند که سیاست جوانان هنوز هم عمیقاً بسته به ساختارهای سنتی قدرت، زیر کنترل شبکه‌های محافظه‌کار و کهنه‌ی سیاسی است. به این دلیل، رای جوانان نه توانست نشان‌دهنده‌ی گسست از منافع دلالتان سیاسی موجود باشد و نه الگوی جدیدی از شکل گرفتن بانک رای جوانان را ایجاد نماید.

پوشش رسانه‌های بین‌المللی در جریان انتخابات تا حدود زیادی بر شهرها متمرکز بود و اکثر آنان بازتاب شگاف در حال فراخ‌تر شدن بین جوانان شهری و روستایی را نادیده گرفتند. واقعیت این است که مشارکت و بسیج سیاسی جوانان در تمام جوامع پیچیده و چندلایه است؛ اما به دلیل پیشینه‌ی بی‌ثباتی سیاسی و شگاف عظیم در دسترسی به معلومات، این پیچیدگی و چندلایگی در افغانستان از هر جای دیگر بیشتر است. در این‌جا، مسئله تنها شمار جوانانی که در انتخابات شرکت کردند، نیست. با وجود اهمیت مشارکت آنان در انتخابات، مسئله این است که آیا چنانی که رسانه‌های بین‌المللی آن را گزارش دادند، جوانان در تعیین نتیجه‌ی انتخابات و نفوذ در آن نقشی داشتند؟ یک نظرسنجی که در ماه مارچ ۲۰۱۴ انجام شد، نشان داد که انگیزه‌ی رای دادن به‌خاطر وابستگی‌های منطقه‌ای/حوزه‌ای و قومی قوی‌تر از عوامل دیگر بوده است و در واقع، نتایج دور دوم انتخابات که توسط کمیسیون مستقل انتخابات اعلان شد، تأییدی بر این ادعاست.

زمانی که رسانه‌های بین‌المللی به شمار در حال افزایش جوانان آشنا با تکنولوژی و وصل‌شده با جهان اشاره می‌کنند، در واقع داستان شمار اندک جوانان شهری را روایت می‌کنند. واقعیت این است که زندگی در بیرون از کابل، خیلی متفاوت است. از جمعیت تخمیناً ۳۱ میلیونی افغانستان، فقط ۸ درصد به اینترنت دسترسی دارند که کمتر از نصف جمعیت کابل است. دسترسی مردم افغانستان به برق، کمتر از اینترنت است.

تأثیر روایت‌های خوش‌بینانه از زندگی جوانان افغانستان مثبت است؛ اما در عین زمان، می‌تواند باعث اشتباه در اولویت‌بندی پالیسی‌ها و برنامه‌های کاری برای جوانان شود و ما را در رابطه به مسائل واقعی جوانان گمراه کند. در عصر جهانی‌شدن، ارتباطات انسانی قوی و چالش‌های جدید که در برابر دولت‌ها و جوامع سر برآورده‌اند، نیاز جدی و فوری به اطلاعات قابل اعتماد وجود دارد. این

در اوایل امسال، گانگرس ایالات متحده کمک‌های توسعه‌ی‌اش را برای افغانستان به نصف رساند. اما باز هم، تعهد کمک میلیارد دلاری آن کشور به افغانستان باقی است. از سال ۲۰۰۱ بدین‌سو، اقتصاد افغانستان و نهادهای نوپای آن تا حدود زیادی بر کمک‌های خارجی استوار بوده‌اند. اکنون افغانستان با چالش‌هایی روبه‌روست: کار بیش‌تر با پول کمتر، جنگ با شورشیان و ایجاد شغل برای جمعیت در حال افزایش جوانان.

با رسیدن به پایان ۲۰۱۴ و خروج سربازان ناتو، مسئولیت‌های زیاد امنیتی، سیاسی و اقتصادی برای حفظ افغانستان، بر شانه‌های خود مردم افغانستان قرار می‌گیرند. همه‌ی این تغییرات نیازمند درک درست و روایت دقیق از افغانستان اند تا تصویر ما از امیدواری‌ها و چالش‌های فراراه مردم افغانستان واقعی باشد.

سروی سالانه‌ی دیدگاه‌های مردم افغانستان که توسط بنیاد آسیا انجام شده است، چشم‌انداز مهمی از دیدگاه‌های مردم در برهه‌ی حساس گذار برای ما فراهم می‌کند. این سروی، بیکاری را دلیل عمده‌ی بدبینی مردم افغانستان ذکر می‌کند و می‌گوید که بیکاری باعث شده است که مردم فکر کنند، کشورشان به جهت درستی در حرکت نیست. چنین نگاهی، از سال ۲۰۰۶ تا حالا به نقطه‌ی اوجش رسیده است. ۳۳٫۱ درصد مصاحبه شونده‌گان، بیکاری را بزرگ‌ترین مشکل داخلی افغانستان ذکر کرده‌اند. رابطه‌ی قوی بین رفاه اقتصادی و سطح خوشی فردی و شگاف بزرگ بین درآمد خانواده‌های شهری و روستایی از یافته‌های آشکار این سروی اند. بر اساس گزارش‌ها، درآمد متوسط خانواده‌ها در افغانستان ماهانه ۱۹۰ دالر امریکایی است؛ اما درآمد خانواده‌های شهری ۲۶۱ دالر امریکایی و درآمد خانواده‌های روستایی ۱۷۰ دالر امریکایی در ماه گزارش شده است. هم‌زمان با شگاف بزرگ بین درآمد‌های خانواده‌های شهری و روستایی، واقعیت تلخ دیگر این است که ۳۶ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر و با درآمد ماهانه‌ی معادل ۳۰ دالر امریکایی زندگی می‌کنند.

با در نظر داشت انبوه جمعیت جوانان که بر اساس گزارش ملل متحد، ۶۸ درصد نفوس افغانستان را جوانان زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند، دشواری‌ها یا رفاه اقتصادی جوانان را بیش‌تر از دیگر گروه‌ها متأثر می‌سازند.

بر اساس پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۳۰ نفوس افغانستان به مرز ۵۰ میلیون نفر خواهد رسید. این افزایش جمعیت با کاهش منابع آبی و کشاورزی هم‌زمان خواهد بود که باعث شکل‌گیری نزاع‌های جدید بر سر منابع خواهد شد. به نظر می‌رسد که روایت غالب رسانه‌ها از جوانان افغانستان بر مسایلی مانند بنیادگرایی، افزایش شورش‌گری و این که پیوستن جوانان به نیروهای امنیتی افغانستان یا فرار از آن، چه تأثیری بر قدرت یا ضعف این نیروها دارد، متمرکز است. اما این دریافت‌ها باعث شکل گرفتن یک نگاه محدود به جوانان می‌شوند که

فصل جدید کمک‌های جامعه‌ی جهانی و ضرورت مبارزه با فساد

بشیر یآوری



پرسش‌های مهم در این زمینه، این‌ها اند که این کمک‌ها با سازوکارهای درست و سالم انجام می‌شوند و برای پیشرفت افغانستان به مصرف می‌رسند؟ یا این کمک‌ها همانند میلیاردها دلار کمک‌های دیگر جامعه‌ی جهانی توسط شبکه‌های مافیایی در قالب سازمان‌های خیریه، نهادهای مدنی و فسادپیشگان حکومتی حیف و میل می‌شوند و حاصل آن افزایش فاصله‌ی طبقاتی و ثروت‌مند شدن زورمندان، مافیاهای اقتصادی و سیاسی در افغانستان خواهد شد؟

کنفرانس لندن که برای تجدید کمک جامعه‌ی جهانی به دولت و مردم افغانستان برگزار گردیده بود و در آن بیش از هفتاد کشور و نهاد خیریه‌ی جهانی، رئیس‌جمهور کشور، رئیس‌اجرائی و سایر مقام‌های دولتی و نمایندگان نهادهای مدنی افغانستان شرکت کردند بودند، موفقتانہ پایان یافت. کشورهای اشتراک کننده و نهادهای جهانی متعهد به تداوم همکاری با افغانستان شدند. در این کنفرانس محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور از برنامه‌های دولت و نیازمندی دولت و مردم افغانستان سخن گفت و برای اعتمادسازی کشورهای کمک‌کننده، امضای پیمان‌های امنیتی با ایالات متحده و ناتو، بازگشایی پرونده‌ی کابل بانک و بررسی آن از سوی دادگاه عالی را از جمله‌ی دست‌آوردهای حکومت جدید برشمرد و از کشورهای شرکت‌کننده خواست که افغانستان را پس از ختم مأموریت نیروهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۴، تنها نگذارند. رئیس‌جمهور غنی فقر را یکی از نارسایی‌های جامعه‌ی افغانستان معرفی کرد و گفت که بر اثر فقر در افغانستان مواد مخدر تولید می‌شود و برنامه‌ی اصلاحات دولت او مبتنی بر فقرزدایی است که با تحقق آن هر شهروندان افغانستانی صاحب شغل خواهند شد.

نکته‌ی قوت این کنفرانس این بود که ایالات متحده و بریتانیا وعده دادند که افغانستان را تنها نمی‌گذارند و کمک‌های‌شان به افغانستان را ادامه می‌دهند. ایالات متحده در این کنفرانس تعهد کرد که تلاش می‌کند سطح کمک‌هایش را به افغانستان کاهش ندهد و به میزان گذشته نگاهدارد. کشورهای چین و قزاقستان کمک‌های جدیدی را به افغانستان متعهد شدند و

سایر کشورها از ادامه‌ی همکاری‌های اقتصادی و سیاسی‌شان با افغانستان، تعهد کردند. این دست‌آورد برای افغانستان که از لحاظ اقتصادی نیازمند کمک و یاری کشورهای جهان می‌باشد و به علت بیش از سی و پنج سال جنگ، شیرازه‌ی اقتصادی آن فروپاشیده است و بودجه‌ی عادی و انکشافی آن از کمک‌های جامعه‌ی جهانی تأمین می‌شود، ارزشمند می‌باشد و یک نوید دیگر برای دولت و مردم افغانستان است که تداوم این همکاری‌ها در زمینه‌ی تأمین ثبات، پیشرفت‌های

اجتماعی و تقویتی حکومت‌داری مفید و حیاتی است. پرسش‌های مهم در این زمینه، این‌ها اند که این کمک‌ها با سازوکارهای درست و سالم انجام می‌شوند و برای پیشرفت افغانستان به مصرف می‌رسند؟ یا این کمک‌ها همانند میلیاردها دلار کمک‌های دیگر جامعه‌ی جهانی توسط شبکه‌های مافیایی در قالب سازمان‌های خیریه، نهادهای مدنی و فسادپیشگان حکومتی حیف و میل می‌شوند و حاصل آن افزایش فاصله‌ی طبقاتی و ثروت‌مند شدن زورمندان، مافیاهای اقتصادی و سیاسی در افغانستان خواهد شد؟

این پرسش‌ها نزد همه‌ی شهروندان کشور وجود دارند. امید که کمک‌های جدیدی که در کنفرانس لندن از سوی کشورها و نهادهای خیریه‌ی جهانی تعهد شده‌اند، با برنامه‌های جدید و کارا عملی شوند و دولت افغانستان از افتادن آن در حلقوم اهریمن فساد جلوگیری کند. لازمه‌ی این امر این است که بایستی دولت تمامی زمینه‌های فساد اداری و اقتصادی را از درون نظام برچیند و برنامه‌ی کارشناسانه و دقیقی را برای استفاده از این کمک‌ها روی دست بگیرد. اگر زمینه‌های فساد از درون نظام و روند انجام این

کمک‌ها از مرحله‌ی شروع آن توسط کشورها و نهادهای خیریه‌ی جهانی تا مصرف آن از سوی دولت و نهادهای افغانی از بین نرود و این کمک‌ها بر اساس نیازمندی و توسعه‌ی جامعه‌ی افغانستان به مصرف نرسند و از چگونگی تطبیق آن نظارت نشود، همانند سایر کمک‌های جامعه‌ی جهانی توسط شبکه‌های فساد در درون نظام و نهادهای اجراکننده‌ی آن حیف و میل خواهد شد و آن‌چه که باقی خواهد ماند، بار سنگین آن است که بردوش جامعه‌ی فقیر و نیازمند افغانستان خواهد افتاد.

آیا افغانستان پس از ۲۰۱۴ یک دولت ورشکسته خواهد بود؟

پرسش کلان: تراژیدی‌ای که پس از عقب‌نشینی شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ اتفاق افتاد، پس از ۲۰۱۴ تکرار خواهد شد؟



منبع: تلگراف
نویسنده: اویناش پالیوال
برگردان: حمید مهدوی

حمله‌ی انتحاری به یک موتر سفارت بریتانیا در مرکز کابل صرف چهار روز پس از یک حمله بر جمعیتی در ولایت جنوب‌شرقی پکتیکا که مصروف تماشای مسابقه‌ی والیبال بودند و در نتیجه‌ی آن بیش از ۴۵ تن کشته شدند، واقع شد. متأسفانه هیچ یک از این بمب‌گذاری‌های انتحاری کسی را متعجب نساخت. بدیهی بود که کاهش حضور نظامیان غربی، به خشونت‌های بیش‌تری منجر خواهد شد: تمایل طالبان به ایفای نقش سیاسی بزرگ‌تر در افغانستان و توانایی آن‌ها در انجام عملیات‌های خشن در سرتاسر کشور واضح بود. با این حال، برخلاف انتظارات، افغانستان در سال جاری توانست به هر نحوی که شده انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کند. با این وجود، چیزی که افغان‌ها به‌دست نیاوردند، گذار به وعده‌ی داده شده به ثبات است.

هزار کارمند در لیست معاشاتش دارد و به‌شدت با کمبود وجوه مواجه است و به مرکز بی‌کاری مخفی تبدیل شده است. این که فساد یک مشکل مزمن است، جای تعجب ندارد. آن‌هایی که پول و صلاحیت دارند، به‌جای این که آن‌ها را به شکل منصفانه و مساویانه توزیع کنند، در واقع نمی‌خواهند از آن‌ها جدا شوند و آن‌هایی که سهم‌شان را به‌دست نمی‌آورند، خوشحال اند و به دنبال انتقام هستند. آن‌چه که طالبان ضرورت دارند، این است که روی این ناراضی‌های رو به رشد سرمایه‌گذاری کنند. مشکل دیگر، ناتوانی نیروهای ملی امنیتی افغانستان در جلوگیری از خشونت است. این مشکل دو جنبه دارد. نخست، جنبه‌ی تاکتیکی نظامی؛ طالبان که حومه‌های شهر را تحت کنترل دارند، آزادی مانور را نیز دارند که نیروهای ملی امنیتی افغانستان از این آزادی برخوردار نیستند. نیروهای ملی امنیتی افغانستان که به تأمین امنیت شهرها و شریان‌های تجارتی افغانستان محدود مانده‌اند، معمولاً به قربانی حملات طالبان تبدیل می‌شوند. جنبه‌ی دوم، به مشکلات سیاسی-اقتصادی این کشور پیوند دارد. این صرف فقدان آموزش و تجهیزات نیست که مؤثریت نیروهای ملی امنیتی افغانستان را از بین می‌برد. در واقع، نیروهای ملی امنیتی افغانستان در جریان چهار سال گذشته تعداد زیادی از حملات طالبان را خنثا کرده‌اند. حکومت کابل، به‌خاطر پندارهای سیاسی‌اش، در مدیریت مالی و توزیع معاشات به نظامیان، بی‌عرضه بوده است. جای تعجب ندارد که نیروهای ملی امنیتی افغانستان

برای کاهش نرخ فرسایش‌شان، که اغلب به درصد دو رقمی می‌رسد، تقلا می‌کنند. سربازان ناراضی‌ای که برای کشتن آموزش دیده‌اند، هیچ تردیدی ندارند که در آینده خدمت‌شان را به مخالفان ارائه کنند. آیا کمک‌های اقتصادی غربی‌ها به کابل می‌تواند با اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر، که ریشه‌های عمیق دارد و به خشونت تداوم می‌بخشد، رقابت کند؟ در

کوتاه‌مدت ممکن است؛ اما در درازمدت قطعاً نه. چیزی که به اندازه‌ی کافی خسته کننده است، این است که هیچ یکی از مشکلاتی که امروز افغانستان با آن مواجه است، جدید نیستند. چیزی که جدید است، رئیس‌جمهور غنی است. او را به عنوان کسی می‌شناسند که می‌تواند روندهای ضروری برای ایجاد نهادهای قوی و پایدار را آغاز کند.

اما فشار فوری وضعیت امنیتی رو به وخامت ممکن است برنامه‌های درازمدت را برای او به یک هدف سخت تبدیل کند. اگر در راستای ایجاد صادقانه‌ی نهادهای افغانستان توجه کافی صورت نگیرد، چیزی که به عنوان یک تراژیدی پس از خروج شوروی در سال ۱۹۸۹ اتفاق افتاد، پس از سال ۲۰۱۴ تکرار خواهد شد.

چهارک

یادداشت‌های سخیدادهااتف

وطن اسلام کجاست؟

یکی از برادران که قبلاً ناراضی بود و بعد مخالف سیاسی شد و فعلاً ناراحت است، در یک کلیپ ویدیویی می‌گوید که برای «وطن اسلام» می‌جنگیده. البته زبانم لال و گلویم پر از آتش، ما همه شکر مسلمانیم و وظیفه داریم که از دین مبین پیروی، حمایت و ستایش کنیم. ما در این راه خون و جان و مال و آسایش و عقل خود را از دست داده‌ایم و از این پس نیز خواهیم داد. یعنی حرف این نیست که خدای نخواست ما که مخالف سیاسی نیستیم، دل‌مان برای اسلام نمی‌تپد. می‌تپد، ولی به نظر من این برادر در استفاده از کلمه «وطن» کمی بی‌دقتی می‌کند. می‌دانیم که در افغانستان «وطن» یعنی همان قریه‌ای که در آن به دنیا آمده‌ایم و از آن خاطره‌ها داریم. فرض کنید دو نفر چهار سال است مقیم کابل هستند. این دو نفر شصت سال پیش در میمنه به دنیا آمده‌اند. حالا به قول ناشناس، سر دریای کابل شیشتن‌شان شده. یکی رو به دیگری می‌گوید، «امسال بخیر یک چکر به وطن برویم» و آن دیگری شروع می‌کند به شکایت از روزگار و این که چه قدر پشت وطن دلش تنگ شده. حالا این دو نفر قطعاً می‌دانند که کابل پایتخت افغانستان می‌باشد و بعید است پایتخت کشور آدم پاره‌ای از خاک وطن نباشد. ولی وطن وطن است و خدای‌اش آدم که یک ذره انسانیت داشته باشد، تمام ملک کابل را به یک تار موی وطن نمی‌دهد. البته ممکن است کسی نسل اندر نسل در کابل زندگی کرده باشد. حتی در این حالت هم او باید بداند که کابل وطن نیست، چرا که وطن نیست. وطن یعنی جایی که از آن جا آمده باشی به کابل.

حال، اگر این منطق را دنبال کرده باشید، طبیعی است که خاک در دهان من وطن اسلام هم «مکه» است. خوب، اسلام نور چشم ما و میهمان عزیز ماست و هر قدر در افغانستان بماند، خانه‌ی خودش هست و ما سر و جان و عقل و ذوق و فرهنگ و هنر و مال و منال و اولاد خود را فدایش می‌کنیم. ولی فرض کنید اسلام یک همتای دیگر می‌داشت که او هم از عربستان می‌آمدگی می‌بود. فرض کنید این دو شی با هم می‌نشستند و درد دل می‌کردند و در میانه‌ی صحبت‌شان حرف از وطن می‌شد. فکر می‌کنید این‌ها کجا را وطن خود می‌گفتند؟ این است که به نظر من آن برادر ناراحتی که می‌خواهد برای وطن اسلام بجنگد، بهتر است به مکه برود و در آن جا بجنگد. خوبی‌اش هم این است که آدم در مکه همین طوری که راه برود هم روزی حاجی خواهد شد. آدم در آن جا که بجنگد، حاجی که هست، غازی هم می‌شود. بخت یاری کند و آدم زنده بماند، می‌تواند با یکی یا چهارتا از این خریطه‌های سیاه کلان ازدواج کند و اگر طالع داشته باشد، از درون این خریطه‌ها ممکن است زن بیرون بیاید. یعنی در همه حال، توصیه‌ی ما به این برادر این است که در جای غلط نجنگد. برود در همان وطن ایشان، یعنی اسلام بجنگد.

پرونده‌ی صلح افغانی به فرجام می‌رسد؟

تابش فروغ و بهار مهر، تحلیل‌گران سیاسی



با هیچ خوانش معتدلی از اسلام سازگاری ندارد و تمام ارزش‌های دموکراتیک را نفی می‌کند.

دو: جنرال‌های سیاست‌گذار در پاکستان به‌درستی از نوع دید امریکا و نوسان در رده‌بندی اولویت‌ها در اداره‌ی دموکرات‌ها در واشنگتن باخبر اند. آن‌ها می‌دانند که دموکرات‌ها دغدغه‌ی داخلی دارند تا نگرانی نسبت به قضایای جهانی. برای سیاست‌گذاران دموکرات در واشنگتن، جنگ افغانستان به پایان رسیده و «فرزندان» شان قرار است «پیروز به خانه برگردند».

بی‌برنامگی دموکرات‌ها در مقابله با وحشت روزافزون داعش و گسترش نفوذ پوتین در اوکراین که از اعضای پیمان ناتو است، نشان می‌دهد که امریکا به حدی که از آن توقع می‌رود، قرار نیست پس از این در رخدادهای جهانی دخالت کند. پاکستانی‌ها این ضعف را می‌دانند و منتظر هستند تا سربازان امریکایی کوله‌پشتی‌های‌شان را ببندند و از افغانستان بروند، آن‌گاه فرصت دیگری برای آن‌ها میسر می‌شود. بنابراین، هر گه‌ت‌و‌گویی پنهان و پیدا با طالبان فقط می‌تواند به عنوان ابزاری برای وقت‌کشی از سوی جنرال‌های پاکستانی استفاده شود. اشرف غنی تجربه‌ی نزدیک به یک و نیم دهه سیاست‌ورزی حامد کرزی با پاکستان را ندارد.

سه: جلب حمایت سعودی‌ها و چینی‌ها جهت نفوذ بر سیاست‌گذاران پاکستانی، ابتکار جالبی بود که اشرف غنی انجام داد؛ اما تفاوت و عمق روابط استراتژیک اسلام‌آباد با ریاض و پکن در یک‌سوی معادله و روابط کابل با ریاض و پکن در سوی دیگر، قابل مقایسه نیست. روابط چین و عربستان سعودی به مراتب معنادارتر از آن است که مسئله‌ی طالبان در نتیجه‌ی تلاش‌های دیپلماتیک افغانستان، به نقطه‌ی اختلاف میان پاکستان با چین یا پاکستان با عربستان تبدیل شود و در نهایت بتواند معادله‌ی پیچیده‌ی جنگ پنهانی را حل کند و توازن پایداری در تأمین منافع مشروع پاکستان و هند در افغانستان ایجاد کند.

چهار: طالبان پایگاه اجتماعی گسترده‌ای برای بسط تفکر خود ندارد، به‌رغم این که در بیش‌تر مناطق افغانستان تلاش می‌کند تا با ایجاد رعب و وحشت حضورش را تثبیت کند. خیزش‌های مردم علیه این گروه حتی در مناطقی که گمان می‌رفت پایگاه این جریان باشند، نشان از این قضیه دارند.

بررسی جداگانه‌ی تمامی این عوامل متأسفانه دورنمای رسیدن به صلح را هم‌چنان در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. طالبان بیش‌تر از این که معضل درون افغانستان باشد، معضل منطقه‌ای است. هم‌راهان جهانی افغانستان اگر به فکر بستن پرونده‌ی صلح در افغانستان هستند و نیت همکاری با دولت این کشور را دارند، باید در راضی کردن تأثیرگذارترین بازیگران منطقه، به‌خصوص پاکستان مسئولیت بزرگ‌تری را بپذیرند. شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند در هم‌سویی با خواست مشروع دولت افغانستان فشارهای لازم را بر سیاست‌گذاران پاکستانی وارد کند.

پیش از این که طالبان به شبکه‌ی پیچیده و بزرگ گروه‌های تروریستی چون داعش بپیوندند، جامعه‌ی جهانی باید تلاش‌های صلح در افغانستان را حمایت کند تا شاید گره کور «صلح افغانی» زودتر باز بشود.

(بی‌بی‌سی)

خبر گفت‌وگوهای پنهان اشرف غنی و سران طالبان، به هیچ روی به کسانی که رویدادهای افغانستان را دنبال می‌کنند، خبر شگفت‌انگیزی نیست. حامد کرزی نیز در ۱۳ سال گذشته بارها چنین گفت‌وگوهایی را در مقاطع خاص با فرماندهان و سران گروه طالبان آغاز کرد و با ناامیدی تمام و بدون رسیدن به نتیجه‌ی مشخصی به پایان برد.

تلاش‌های حامد کرزی برای رسیدن به توافق سیاسی با طالبان، جدی‌ترین بخش از کارنامه‌ی زمام‌داری اوست. هرچند در مواقعی با خوش‌بینی زیاد، از مهارت‌های سیاست‌گذاران پاکستانی و حامیان جهانی آن‌ها بی‌خبر ماند. ترور برهان‌الدین ربانی، رییس شورای عالی صلح افغانستان در خزان ۲۰۱۱ میلادی، آن‌هم توسط «سفیر صلح طالبان»، نمونه‌ای از این رویکرد به صلح بود.

کرزی بیش‌تر از ۲۰ بار به اسلام‌آباد رفت و شاید در حاشیه‌ی ده‌ها نشست بزرگ و کوچک جهانی در مورد افغانستان، از جنرال‌ها و دولت‌مردان پاکستانی طلب حمایت کرد. رهایی نزدیک به هفت‌صد زندانی طالب از بازداشتگاه بگرام، سیاست برادر خواندن طالبان و فراخوان پیاپی صلح به گروهی که مردم افغانستان نیروهای امنیتی خود را در جنگ رویاروی با آن‌ها می‌بینند، باعث شد که سیاست‌های او در نظر مردم، شکست‌خورده بیاید. اشرف غنی میراث‌دار یکی از ناکام‌ترین پرونده‌های صلح جهان است. دلایل او برای دست‌یابی به صلح، موجه اند. مردم افغانستان نزدیک به چهارده‌ه‌ی گذشته را در بحران و جنگ گذرانده‌اند و از این وضعیت خسته شده‌اند. رویاهای بلندپروازانه‌ی کارشناس پیشین بانک جهانی، برای آوردن اصلاحات ساختاری، بیش‌تر از هر چیزی وابسته به صلح اند. صلحی که غنی با اشتیاق به‌دنبال دست یافتن به آن است، با فرصت‌ها و موانع پیچیده‌ی داخلی و منطقه‌ای روبه‌رو است.

فرصت‌ها

یک: غنی شکنندگی وضعیت سیاسی حکومتی را که رهبری می‌کند، به‌درستی می‌شناسد. شرکای قدرت او، دشمنان دیروز طالبان هستند که هنوز با اتکا به هم‌پیمانان خود در منطقه، توانایی و ظرفیت بسیج مردمی و جنگیدن در برابر طالبان را دارند. شکست غنی در گفت‌وگوهای صلح با طالبان، به معنای ضعف او در یک حکومت مشترک است. اشرف غنی و رهبران طالبان خاستگاه مشترکی دارند. پشتون‌های غلزایی؛ تباری که اشرف غنی نیز بدان منسوب است. بنابراین، از منظر روابط تباری و قبیله‌ای، او نزدیکی بیش‌تری به سران طالبان دارد.

دو: گفتمان غنی برای انتقال مسئولیت‌های امنیتی، گفتمانی است که مصرف داخلی دارد و احتمالاً به درد گفت‌وگوهای صلح می‌خورد. او با این پیش‌فرض به گفت‌وگوها وارد می‌شود که تحت ریاست او، سربازان خارجی جبهه‌های جنگ را به افغان‌ها واگذار کردند و حالا طالبان در برابر هم‌وطنان خودشان قرار دارند و نیازی نیست که این جنگ ادامه بیاید. البته تاریخچه‌ی سهم بزرگ او در رهایی ۷۰۰ زندانی طالب نیز می‌تواند به اعتمادسازی میان او و طالبان کمک کند.

سه: مأموریت رزمی اکثر هم‌پیمانان ائتلاف جهانی ضدطالبان به رهبری ایالات متحده‌ی امریکا در افغانستان، تا یک‌ماه دیگر به پایان می‌رسد- هرچند به‌تازگی اوپاما این مأموریت را تا پایان سال ۲۰۱۵ تمدید کرد- و فقط نقش تسهیل‌کنندگان آموزش و تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان را خواهند داشت. این یک دست‌آویز قابل اتکا برای رییس‌جمهور است تا تلاش کند که طالبان را به پیوستن به صلح ترغیب کند.

چهار: در صورتی که این گفت‌وگوها بتواند وارد مراحل عملی‌تری شود، بحث برگزاری لویه جرگه در ۲۰۱۶ و احتمال تعدیل‌های گسترده در قانون اساسی، مشوق دیگری است که غنی می‌تواند از آن در گفت‌وگوها بهره ببرد و با بعضی از تعدیل‌های مورد علاقه‌ی طالبان در قانون اساسی موافقت کند.

موانع

یک: دشوار به نظر می‌رسد که اشرف غنی به‌صورت یک‌جانبه و بدون رایزنی و مشورت با شرکای ضدطالبانی قدرتش، راه را برای پیوستن این گروه و هضم آن در ساختار سیاسی فراهم کند. حریفان سیاسی غنی قطعاً بر پذیرش قانونی اساسی افغانستان از سوی طالبان تأکید خواهند کرد؛ زیرا توسل به این اصل، از بازدارنده‌ترین عوامل گفت‌وگو با دولت افغانستان از سوی طالبان تلقی می‌شود. آن‌ها امارت رادیکال و تندرویی می‌خواهند که

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتهای		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	شش ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۱۳۰۰ افغانی	شش ماهه
				۲۵۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



Aziz Rafiee

و اینک دوباره به کابل جان برگشتیم. باور کنید؛ این شهر با همه نابه‌سامانی‌هایش، دوست‌داشتنی‌ترین شهر است. و من که از نخستین لحظه‌های زندگی متعاد آب و هوایش هستم، نمی‌توانم دور از آن زنده بمانم.

جا دارد از دوستان و همکاران متعهد جامعه‌ی مدنی نیز که در آمادگی‌ها و تدارکات و هم در جریان سفر توانستند دست‌آوردهای خوبی در دادخواهی و گرفتن مسئولیت برای آینده داشته باشند، سپاس‌گزاری نمایم. از دو سخنگوی جامعه‌ی مدنی، خانم فرشته کریمی و آقای باری سلام که پیام ما را زنده به گوش مسئولان رسانیدند و از همه‌ی دوستان و همکاران داخلی و خارجی سپاس‌گزاریم. فراموش نباید کرد که متأسفانه جای شش تن از همکاران مدنی ما که ویزای‌شان به موقع اجرا نشد، در تمام جریان سفر و کار خالی بود.



Munera Yousufzada

بالاخره به کابل رسیدم. آمدن من به باور عده‌ای، حماقت و به باور بعضی دیگر، ارزش است. اما برای من، کابل شهر تعلقات دل‌ناکدنی است. این تعلقات می‌تواند لیکند پرستو باشد، یا بودن مادرم یا دل‌بستگی به خانم صفاکاری که در اداره‌ی مان کار می‌کند. شاید هم شنیدن کلمه‌ی «شار رو» همکار راننده‌ی ملی‌بس‌ها. اما من آمدم و از این‌که دوباره امروز خود را در آغوش کابل دیدم، مسرورم.



Besmillah Mohabbat

دارم روی گزارشی از وزارت «احیا و انکشاف دهات» کار می‌کنم. برای من، جالب‌تر از همه، نام این وزارت است. احیا: زنده‌سازی، شب‌زنده‌داری انکشاف: کشف کردن، آشکار شدن، پدیدار شدن، برهنه شدن



دهات: روستاها

حالا شما بگویید، «وزارت احیا و انکشاف دهات» یعنی چه؟

Bisharat Bisharat

جامعه‌ی مدنی؛ تقلیل ممتوا و نقش

مشارکت و حضور وسیع نماینده‌های جامعه‌ی مدنی در کنفرانس لندن یک فرصت طلایی و کمک به تقویت نقش مهم جامعه‌ی مدنی در افغانستان می‌باشد. این فرصت به کمک سخاوت‌مندان‌ی جامعه‌ی جهانی برای فعالان مدنی مهیا شد. کنفرانس لندن فرصت خوبی برای ایجاد گفت‌وگو مناسب برای طرح و اهمیت جامعه‌ی مدنی در افغانستان بود که می‌توانست تعریف و جایگاه مناسبی را به‌دنبال داشته و در افکار عامه و دیگر نیروهای تأثیرگذار نیز داشته باشد. انتظار مردم فراتر از شرکت و برگشت از کنفرانس لندن به کابل می‌باشد.



با در نظر داشت مصارف گزاف برای هر یک از نماینده‌های مدنی، این سفر یک بار تاریخی، مسئولیت کلان و پاسخ‌گویی جدی به‌دنبال دارد. امید است که نماینده‌های محترم متوجه وظیفه‌ی تاریخی و حساسیت‌های نیروهای سنتی و دیگر نیروهای تأثیرگذار بعد از برگشت باشند. حداقل توقع داریم که این سفر کمک کند که نهادهای جامعه‌ی مدنی از محتوای تکراری، برنامه‌های شخصی و پروژه‌محور و سلیقه‌ای بپرهیزد و در قالب یک استراتژی کلان‌تر و رویکردهای مناسب در بستر و زمینه‌های پیچیده‌ی افغانستان، نقش خویش را ایفا نماید.

شرکت در یک کنفرانس بین‌المللی یک معجزه نیست، بلکه تأثیرگذاری و بار تاریخی آن اهمیت دارد. فکر می‌کنم که مفهوم و نقش جامعه‌ی مدنی فربه‌تر از انعکاس در صفحه‌ی اجتماعی فیس‌بوک بود. بحث و تبصره‌های مسلط نماینده‌های منتخب مدنی در کنفرانس لندن و منتقدان آن‌ها در فضای مجازی خیلی مایوس‌کننده و سلیقه‌ای بود. بحث‌های پراکنده و ناهماهنگی نماینده‌های جامعه در طرح موضوع و اطلاع‌رسانی نیز نقش منفی داشت. به هر صورت، فرصت برای بازسازی برای نماینده‌ها وجود دارد و امید است که با موضع‌گیری راهبردی و برنامه‌های مدون برای نظارت و گزارش‌دهی از اجرای تعهدات دولت افغانستان در این کنفرانس، بتوانند این فرصت کوچک را تبدیل به سرمایه و میراث ملی نمایند. به امید پویایی بیش‌تر، ارتقای ظرفیت‌های تخنیکی، تغییر راه‌بردی و بهبود محتوای جامعه‌ی مدنی در افغانستان.

Jafar Rasouli

«گناهم این است که به‌جای ثروت، بر حیثیت انسانی هزاره در سیاست ملی تأکید دارم».

جمله‌ی فوق از دای‌فولای است. من به ایشان احترام بسیار دارم. می‌نویسد. تفکر می‌کند. تلاش دارد که چیزهای تازه بگوید. سعی دارد که از آن‌چه که فکر می‌کند حقیقت است، دفاع کند. زیاد در مسیر ورزش باد حرکت نمی‌کند. از نظر من، همه‌ی این‌ها برای یک نویسنده فضیلت است.



اما با شکایت وی موافق نیستیم. یک نویسنده نباید نویسد تا قدردانی شود. اصلاً یک نویسنده به قدردانی احتیاجی ندارد. لازم نیست که مردم از یک نویسنده خوش باشند. به آثار مهمی که در طول تاریخ پدید آمده توجه کنید. من بعد از دو هزار و پنج صد سال «گفت‌وگوی بزرگ» سقراط را در یک دانشگاه مهم در شهر نیویارک در همین ترم تحصیلی خواندم. یعنی آثار سقراط در بزرگ‌ترین دانشگاه‌های جهان، حتا امروز تدریس می‌شوند. اما خود سقراط را مردم آن به‌خاطر همین گفته‌ها اعدام کردند. نویسنده باید آرزوهای خود را تحریر کند؛ زیبایی را که دوست دارد، تصویر کند؛ آن نوع جامعه و سیاست را که تنها خود خوش دارد، مطرح کند، بدون هراس از کسی، بدون طمع چیزی.

پیوند هنر و رنج در نمایشگاهی در ژنو



ایموزین فالکس، فیرنگار بی‌بی‌سی- ژنو

زیبایی و تنها وظیفه آن القای احساسات مثبت مثل شادی نیست. او می‌افزاید: «اگر به هنر قرن بیستم فقط به آثار هنرمندانی مثل ماتیس یا موندریان نگاه کنیم، می‌بینیم که هیچ‌یک از حوادث مهم این قرن مثل قدرت‌گیری آلمان نازی، دیکتاتوری استالین یا جنگ جهانی دوم در آثار آن‌ها مشهود نیستند.» «به نظر من، چنین جلوه‌ای از قرن بیستم نگران‌کننده و حتا می‌تواند خطرناک باشد. به همین خاطر، این نمایشگاه بسیار مثبت است؛ چون نشان می‌دهد که در صد سال گذشته بسیاری از هنرمندان بزرگ چشم خود را بر رویدادهای مهم قرن بیستم و بیست و یکم نبستند و خشونت زمانه‌ی خود را ثبت کردند و نشان دادند.» راجر مایو و کریستیان بارنارد هر دو تأکید می‌کنند که هنر مغرب زمین و مسیحیت صدها سال زیر سیطره‌ی خشونت بوده است. آقای بارنارد می‌افزاید: «در هنر غرب همیشه شهیدا و مصلوب‌شدگان به تصویر کشیده شده‌اند. این‌که هنر باید آینه‌ی از یک زندگی راحت و بی‌دردسر باشد، حتا از منظر تاریخی هم نادرست است.» او با لبخند می‌افزاید: «هنر مثل قدم زدن در باغ نیست.» شکی نیست که هر بازدیدکننده‌ی پس از دیدن نمایشگاه «همه‌چیز انسانی»، دیگر به ذهنش خطور نخواهد کرد که هنر فقط برای شادی و نشاط است. این تصاویر را نمی‌توان به‌سادگی فراموش کرد. آن‌ها شاهدهی هستند از قدرت عظیم خلاقیت انسان حتا در اوج دشواری، رنج و بی‌رحمی. برگزارکنندگان امیدوارند که نمایش این قدرت خلاقیت برای کسانی که از نمایشگاه بازدید می‌کنند، خاطره‌ی مثبت و امیدبخشی باشد. در عین حال، امیدوارند که دلیل انتخاب این عنوان برای نمایشگاه را به‌خوبی درک کنند. کریستیان بارنارد می‌گوید: «با این نمایشگاه ما می‌خواهیم بدترین و خوفناک‌ترین خصوصیت‌هایی را که در وجود همه‌ی ماست، به بازدیدکنندگان نشان دهیم. ما هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم که قادر به ارتکاب چه اعمالی هستیم.» نمایشگاه «همه‌چیز انسانی» در محل موزیم صلیب سرخ شهر ژنو تا چهارم جنوری ۲۰۱۵ دایر است.

در دوران استالین را به تصویر کشیده‌اند. یکی دیگر از آثار شاخص این نمایشگاه، یکی از تابلوهای نقاشی فلیکس نوزباوم، نقاش آلمانی یهودی‌تباری است که در سال ۱۹۴۴ و در ۳۹ سالگی در اردوگاه آشویتس همراه همسر و اکثر اعضای خانواده‌اش به قتل رسید. این تابلو با عنوان «پناهجو» در سال ۱۹۲۹ و دورانی که این هنرمند از آلمان نازی گریخته بود، کشیده شده است. برخی از آثار جدیدتری که در این نمایشگاه به معرض دید گذاشته شده‌اند چیدمان‌های ویدیویی اند- مثل یکی از کارهای لیلیا عبدل به نام «خانه‌ی سفید» که تصویر فشرده‌ای است از ویرانی کشور زادگاهش افغانستان و در آن زنی در میان خرابه‌های خانه‌اش تنها دیوارهایی را که سالم باقی مانده‌اند، با رنگ سفید می‌کند. این نمایشگاه بازدیدکنندگان فراوانی را به‌خود جلب کرده، ولی باید گفت که دیدن چنین آثاری چندان ساده نیست. برخی از این آثار رنج و مصیبت انسان‌ها را چنان صریح و دل‌خراش نشان می‌دهند که گاهی اوقات می‌خواهید چشمان خود را ببندید. بدون شک چنین آثاری برای کودکان مناسب نیست و برخی از آن‌ها به قدری دل‌خراش‌اند که نمی‌توانند در رسانه‌ها نشان داده شوند. راجر مایو، مدیر موزیم صلیب سرخ در ژنو نیز اذعان دارد که دیدن این آثار دشوار است و می‌افزاید: «کار اصلی موزیم برخورد با جنبه‌های دشوار زندگی انسانی است و همه‌ی این‌ها آثار هنری بسیاری ارزشمندی هستند، آثاری که نه فقط از منظر هنری، بلکه به‌خاطر نشان دادن حوادث مهم در زمانه‌ی خود ارزش زیادی دارند.» «به یادآوردن و به خاطر سپردن این حوادث مهم است و می‌توان آن‌ها را به شکل دیگری به غیر از کتاب یا عکاسی و فیلم‌های مستند به خاطر سپرد و این نشان دادن آن در قالب آثار هنری است.»

هنر شادی آفرین

کریستیان بارنارد، مدیر موزیم هنرهای مدرن و معاصر ژنو، معتقد است که هنر صرفاً ابزاری برای نشان دادن



نمایشگاه کاملاً متفاوت و نوآورانه‌ای از آثار هنری در موزیم صلیب سرخ شهر ژنو برپا شده که هدف آن نشان دادن رابطه‌ی هنرمندان با رنج است. در این نمایشگاه که با عنوان «همه‌چیز انسانی» برگزار می‌شود، آثاری به نمایش گذاشته شده که به شکلی بسیار برجسته و دل‌خراش رنج و مصیبتی را که انسان‌ها طی ۱۰۰ سال گذشته به یک‌دیگر تحمیل کرده‌اند، نشان می‌دهند. این نمایشگاه با آثاری مثل طرح‌های سیاه قلم اوتو دیکس از زندگی در سنگرهای جبهه‌های جنگ جهانی اول تا مونتاژ عکاسی از صحنه‌های جنگ عراق، نتیجه‌ی همکاری موزیم صلیب سرخ و موزیم هنرهای مدرن و معاصر شهر ژنو (مامکو) است. راجر مایو، مدیر موزیم صلیب سرخ معتقد است که برگزاری چنین نمایشگاهی در شهر ژنو بسیار به‌جاست؛ چون دفتر مرکزی بسیاری از نهادهای سازمان ملل متحد و همین‌طور مرکز صلیب سرخ جهانی در این شهر قرار دارند. ژنو در عین حال محل تولد و امضای پیمان بین‌المللی نظارت بر رفتار دولت‌ها در زمان جنگ، یعنی کنوانسیون ژنو است. راجر مایو می‌گوید: «ما باید رنج‌ها و مصیبتی را که افراد بشر به یک‌دیگر تحمیل می‌کنند، نشان دهیم. در مقاطع تاریک و مصیبت‌بار تاریخ بشر برخی چشم خود را بر این فجایع می‌بندند، ولی برخی دیگر وارد عمل می‌شوند و دخالت می‌کنند. به عنوان مثال، داوطلبان و نهادهای بشردوستانه جزو کسانی هستند که واکنش فعال نشان می‌دهند. برخی از هنرمندان نیز واکنش فعال دارند و با زبان هنری ویژه‌ی خود این شرایط دشوار را ثبت می‌کنند. ما می‌خواهیم همین موضوع را در این نمایشگاه نشان دهیم.» برخی از هنرمندان در آثارشان خشم و اعتراض خود به خشونت و سرکوبی را که در محیط اطراف آن‌ها اتفاق می‌افتد، نشان داده‌اند. به عنوان مثال، «بانوی گریان»، اثر پابلو پیکاسو، شاهدهی است از خشم این هنرمند از آن‌چه که در جریان جنگ داخلی اسپانیا بر سر هم‌وطنانش آمد. برخی دیگر از آثار این نمایشگاه جنبه‌های شخصی قوی‌تری دارند و رنج و دردی را که خود هنرمند متحمل شده است، نشان می‌دهند. به عنوان نمونه، مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی نیکلای گتمن، شاهدهی از زندگی در گولاگ‌های دوران استالین است، جایی که این نقاش اوکراینی هشت سال از عمر خود را در زندان گذراند. وجود این تابلوها که در دهه‌ی پنجاه میلادی خلق شده‌اند، در سال ۱۹۹۳ کشف شد و با گنجاندن آن‌ها در این نمایشگاه، اولین باری است که در اروپا به نمایش گذاشته می‌شوند. نیکلای گتمن را به‌خاطر نقاشی‌هایش «سولژنیتسین هنر» لقب داده‌اند. کارهای او جزو معدود آثار بصری‌اند که شرایط گولاگ یا اردوگاه‌های کار اجباری حکومت شوروی

گوتزه کفش‌هایش را هدیه می‌دهد



ماریو گوتزه قصد دارد با کفش‌هایی که در جام جهانی به‌پا می‌کند، کودکان را خوشحال کند. این کفش‌ها گران‌ترین کفش‌های دنیا هستند. گوتزه هفته‌ی پیش به «بیلد» گفته بود: «کسی که در طی هفت روز آینده به برنامه‌ی «یک قلب برای بچه‌ها» بیش‌ترین هدیه را بدهد، کفش‌های من را به عنوان جایزه دریافت خواهد کرد.»

حال دیشب قرار است در شبکه‌ی دو تلویزیون دولتی آلمان سرنوشت این جایزه مشخص شود. مجری برنامه‌ی «یک قلب برای بچه‌ها» گفت: «بالا‌ترین میزان کمک نقدی که طی این مدت به حساب این برنامه واریز شده، بالغ بر دو میلیون یورو بوده است.» این مبلغ حتا از حد تصور ستاره‌ی بایرن مونیخ هم فراتر است. گوتزه گفت: «باورکردنی نیست. این مبلغ کمک را در خواب هم نمی‌دیدم. فوق‌العاده است. دو

شرط تمدید قرارداد بارسلونا با آلوس

قرارداد دنی آلوس با بارسلونا تا جون سال ۲۰۱۵ اعتبار دارد و هنوز بارسلونا قدمی برای تمدید قرارداد با این دفاع راست برزیلی برنداشته است. روز جمعه بود که دبلی میل فاش ساخت که باشگاه منچستریونایتد قصد دارد آلوس را تابستان آینده به خدمت بگیرد و با توجه به پایان قرارداد این بازیکن با بارسلونا در جون سال آینده، آلوس می‌تواند در همین زمستان با باشگاه‌های خواهانش وارد مذاکره شود.

تا پایان ماه دسامبر و قبل از شروع شدن نقل‌وانتقالات زمستانی، بارسلونا از حکم نهایی فیفا آگاه خواهد شد. این که محرومیت این باشگاه از خرید بازیکن بخشیده شده یا

مارتینو:

به خاطر تمام کارهایم در بارسا، پشیمانم

تاتا مارتینو در پایان فصل گذشته پس از تنها یک فصل حضور در بارسا، به دلیل نتایج ضعیف از کار برکنار شد و جای خود را به لوئیس انریکه داد. سرمربی حال حاضر تیم ملی آرژانتین که پیش از بارسا، هدایت تیم ملی پاراگوئه و نیوولزالدیبویز آرژانتین را برعهده داشت، دیروز در مصاحبه با نشریه‌ی «مارکا»، اعتراف کرد که برای بیش‌تر ماندن در بارسلونا باید کارهایی متفاوت در این تیم انجام می‌داد.

وی گفت: «از همان روز اول شروع کارم در بارسلونا، من کارهایی متفاوت با آنچه که قبلا در بارسا انجام می‌شد را انجام دادم. شاید

کلوب: پیروزی‌های بیش‌تری در راه خواهد بود

یورگن کلوب، سرمربی دورتموند پس از پیروزی ۱-۰ تیمش مقابل هافنهایم، معتقد است که تیمش کاملا شایسته پیروزی بوده است. این پیروزی دورتموند را از قعر جدول بالا کشید و به چهارمین پیروزی در چهاردهمین بازی رساند. کلوب معتقد است که تیمش شایسته‌ی پیروزی بوده، ولی این پیروزی، شروع یک روند مثبت و صعودی برای دورتموند خواهد بود. او در جمع خبرنگاران

کانیزارس: نویر با هدایت گواردیولا بهتر شده

بعد از راهیابی رونالدو، مسی و نویر به دور پایانی انتخاب بهترین فوتبالیست سال جهان، گمانه‌زنی‌ها راجع به برنده‌ی نهایی شروع شد. سانتیاگو کانیزارس، دروازه‌بان موفق سال‌های نه چندان دور والنسیا و تیم ملی اسپانیا که اینک ۴۴ سال دارد هم در این مورد به اظهار نظر پرداخت: «نویر واقعا دروازه‌بان بزرگی است. او در سال‌های اخیر به شکلی باورنکردنی پیشرفت کرده است. احساس می‌کنم ترک شالکه و پیوستن به بایرن مونیخ اعتماد به نفس او را بسیار افزایش داد.

شکی نیست که او روی روحیه‌ی خودش هم خیلی کار می‌کند. اعتماد به‌نفس مهم‌ترین فاکتور در دروازه‌بانی است و این فاکتور در نویر به‌وضوح قابل مشاهده است. او در جام جهانی فوق‌العاده عمل کرد. نویر بزرگ‌ترین وزنه‌ی تیم ملی آلمان است و حضورش به سایر اعضای تیم قوت قلب می‌بخشد. فیزیک بدنی خویش هم دیگر عاملی است که به چشم می‌آید. با شخصیت بودنش هم آدم را یاد بهترین سنگربانان تاریخ آلمان یعنی الیور کان و سب مایر می‌اندازد.

حضور این بازیکن در بین کاندیدای نهایی کسب توپ طلا یک موفقیت بسیار بزرگ نه فقط برای خود نویر، بلکه برای صنف دروازه‌بان‌هاست. من همیشه حیرت می‌کنم از کار مربیانی که می‌توانند به بهترین شکل توانایی‌های بالقوه‌ی بازیکنان‌شان را به حالت بالفعل دریاورند. پپ گواردیولا دقیقا یکی از این آدم‌ها است. نویر تحت هدایت او واقعا موفق‌تر از قبل شد. این یکی از فضایل پپ است و مطمئنا مانویل نویر از این ویژگی سود برد. در آخر مایلم در مورد رونالدو و مسی هم نظرم را بگویم. این دو نفر سال‌هاست که برای کسب عنوان بهترین فوتبالیست سال انتخاب می‌شوند و با هم رقابت می‌کنند. آن‌ها بازیکنانی هستند که حضورشان در زمین، نتیجه‌ی هر بازی‌ای را تغییر می‌دهد. شخصا فکر می‌کنم رونالدو توپ طلا را می‌برد.»

لام: سعی می‌کنم

از دوران مصدومیتم لذت ببرم

فیلیپ لام از آخرین وضعیتش بعد از مصدومیت سخن گفت. کاپیتان بایرن مونیخ دو هفته پس از بدشانسی بزرگی که در زمان تعطیلی لیگ به‌خاطر بازی‌های تیم ملی در حین تمرین با تیم باشگاهی‌اش دچار شد و پایش را به تیغ جراحان سپرد، در صفحه‌ی فیس‌بوکش نوشت: «بعد از دو هفته استراحت و فیزیوتراپی، مایلم گزارش کوتاهی از وضعیت خودم به شما اعلام کنم: روند معالجه بدون هیچ مشکل و عوارضی پیش می‌رود و به جز این که فعلا مجبورم با عصا راه بروم، حال عمومی‌ام خوب است. مسلما خیلی دلم می‌خواهد در بازی‌های آتی به میدان بروم تا این که روی کاناپه روبه‌روی تلویزیون نشسته باشم، اما سعی می‌کنم مثبت‌نگر باشم و از گذراندن وقت با خانواده‌ام لذت ببرم.

این روزها برایم تکراری و خسته‌کننده پیش نمی‌روند؛ چون که یک‌شنبه قرار است جشن استقبال از کریسمس در باشگاه برگزار شود؛ دوشنبه هم مهمان برنامه‌ی «آئودی استار تاک» خواهم بود. از این که می‌توانم در این برنامه‌ها نگاهی به سال بسیار زیبا و پر از موفقیت ۲۰۱۴ داشته باشم، خوشحالم.»

باشگاه بارسلونا

به اشتباه خود اعتراف کرد

دادگاه تجدید نظر در مورد حکم محرومیت بارسا از خرید بازیکن، از دو روز پیش در لوزان سوئیس شروع شده و فردا به پایان می‌رسد. ماه مارچ گذشته، فیفا بارسلونا را به اتهام عدم رعایت قوانین در جذب بازیکنان زیر ۱۸ سال برای تیم‌های پایه‌ای خود متهم کرد و بر این اساس، این باشگاه را از خرید بازیکن در دو پنجره‌ی نقل‌وانتقالاتی محروم کرد. کمی بعد البته این حکم معلق شد و بارسلونا توانست در فصل تابستان، بازیکنان جدیدی خریداری کند. با این حال، از ماه سپتامبر حکم قبلی از حالت تعلیق خارج شد.

بارسا نیز به دادگاه حکمیت ورزشی (TAS) درخواست تجدید نظر داد و کار این دادگاه از دو روز پیش شروع شد. طبق گزارش نشریه‌ی موندوآرژانتین، وکلای باشگاه بارسلونا در جلسات دو روز اخیر، به اشتباه این باشگاه در خرید بازیکنان زیر ۱۸ سال و عدم رعایت قوانین در این زمینه اعتراف کردند. البته با ذکر این نکته که این مسئله از روی آگاهی قبلی صورت نگرفته است. باشگاه بارسلونا رسماً از این بابت پوزش خواسته و درخواست کرده است تا این حکم محرومیت تعدیل شود. امروز ساعت ۵ بعدازظهر به وقت سوئیس، کار دادگاه به اتمام می‌رسد و طبق پیش‌بینی‌ها، تا پایان ماه دسامبر، رای نهایی ابلاغ خواهد شد.

سانچس: آرسنال در سطح بارسلونا نیست

الکسیس سانچس، تابستان امسال از بارسا راهی آرسنال شد و در حال حاضر به بهترین بازیکن این تیم بدل شده است. سانچس پس از جدایی از بارسا، حالا به‌طور ثابت در آرسنال بازی می‌کند. مسئله‌ای که در سه فصل حضورش در بارسا دیده نشد و او در بارسلونا غالباً یک نیمکت‌نشین محسوب می‌شد. حالا او زیر نظر ونگر، بار دیگر شکوفا شده و گول‌های بسیار حساسی برای آرسنال به ثمر می‌رساند.

مهاجم شیلیایی آرسنال در مصاحبه با «تایمز»، به مقایسه‌ی دوران حضورش در بارسلونا و شرایط فعلیش در آرسنال پرداخت و گفت: «آداپته شدن من با فضای بارسا کمی بیش از آنچه انتظار داشتم، طول کشید. سال اول حضورم خوب بود و سال بعد کمی بهتر. ولی باید اعتراف کنم که خیلی

ونگر: به سانچز استراحت خواهیم داد

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال عنوان کرد که الکسیس سانچز در خطر مصدومیت قرار دارد. ستاره‌ی شیلیایی که در تابستان از بارسلونا به آرسنال پیوسته، بهترین بازیکن فصل توپ‌چی‌ها تا به این‌جای کار بوده و در ۲۲ بازی، ۱۴ گول به ثمر رسانده است. با این حال، ونگر معتقد است که خستگی بسیار ناشی از تعدد بازی‌ها، احتمال مصدومیت او را بالا می‌برد و سرمربی فرانسوی قصد دارد به ستاره‌ی تیمش استراحت دهد.

او گفت: «او در منطقه‌ی سرخ مصدومیت قرار دارد. می‌توانید این را در بازی‌هایش ببینید. در مقطعی به او استراحت خواهیم داد. او نیاز دارد که نفسش تازه شود. با بازیکنان زیادی که در هر بازی حضور داشتند این کار را کردم. به رابین فان‌پرسی و تیری‌هانری استراحت دادم و این موضوع به آنها کمک می‌کرد کمتر مصدوم شوند. سانچز روز چهارشنبه بیست و هفتمین بازی‌اش را با احتساب بازی‌های ملی انجام می‌دهد و متأسفانه نمی‌توان تشخیص داد که تا کجا می‌توان به او فشار آورد.»

اسکولز:

مسی انگیزه‌ی کافی را در بارسا ندارد

پل اسکولز، اسطوره‌ی منچستریونایتد معتقد است که لیونل مسی در بارسلونا دیگر انگیزه‌ی کافی را ندارد. پس از صحبت‌های اخیر مسی مبنی بر احتمال جدایی‌اش از بارسا، شایعات زیادی مبنی بر جدایی او از این تیم شنیده می‌شود. اسکولز که خود عضو تیمی بود که در دو فاینل مقابل مسی و شاگردانش در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ شکست خورده بود، معتقد است که مسی دیگر انگیزه‌ی کافی برای ادامه‌ی حضور در بارسا را ندارد.

او گفت: «وقتی برای تماشای بازی بارسا به مستایا رفته‌م، در بیش‌تر بازی احساس کردم که بارسا یک شبح از تیم سابق خود است.»

ونگر: مسی، عامل افت سوارز است

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال، معتقد است شروع نه چندان خوب لوییس سوارز در بارسا، به دلیل قرار داشتن لیونل مسی در محور بازی آبی‌واناری‌هاست. ستاره‌ی اروگوئه فصل گذشته در ۳۳ بازی در لیگ برتر، ۳۱ گول برای لیورپول به ثمر رساند؛ اما هنوز در ۵ دیداری که برای بارسا در لالیگا انجام داده، موفق به گولزنی نشده است. ونگر مطمئن است که سوارز می‌تواند بازیکن مؤثری برای تیم لوییس انریکه باشد و تنها باید با نقش جدیدش تطبیق پیدا کند. او به گاردین گفت: «بازی کردن در تیمی که بازیکنی



دها شهر و نداد افغان در سواحل غربی ترکیه بازداشت شدند

اطلاعات روز: پولیس ترکیه از بازداشت یک گروه سی نفره پناهجویان در سواحل غربی این کشور خبر داده است. در همین حال، مصطفی توپراک، والی از میر ترکیه می گوید که ۲۹ تن از این پناهجویان شهروندان افغانستان هستند. به گفته او، یک شهروند میانمار و چهار کودک نیز شامل این گروه سی نفری اند.

این پناهجویان زمانی از سوی نیروی گارد ساحلی ترکیه بازداشت شدند که قایق بادی آنان در آبهای ترکیه خراب شده بود. به تاریخ ۱۳ عقرب سال روان یک قایق حامل ۴۲ مهاجر کشور در تنگه‌ی بسفر ترکیه غرق شد که کودکان و زنان نیز شامل سرنشینان آن بودند، در این حادثه دهها پناهجوی افغان در آبهای ترکیه غرق شدند.

گفته می‌شود که پس از این حادثه، تدابیر گارد ساحلی ترکیه برای بازداشت پناهجویان غیرقانونی افزایش یافته است. در همین حال، خبرگزاری بخدی به نقل از مصطفی توپراک، والی از میر گزارش داده است، پولیس این کشور سرگرم تحقیق و بررسی پرونده‌ی ۳۰ پناهجویی است که در آبهای این کشور سرگردان بودند.

این افراد به بازداشتگاه موقت پناهجویان انتقال یافته‌اند. گفته می‌شود که افرادی که به این بازداشتگاه انتقال داده می‌شوند، پس از بررسی پرونده‌ی شان، به کشورهای شان بازگردانده می‌شوند. اداره‌ی مهاجرت ترکیه صرف برای اشخاصی اقامت موقت به این کشور را می‌دهد که دلیل قناعت‌بخش برای ترک کشورشان داشته باشند.

در همین حال، توپراک گفته است که سواحل غربی ترکیه به یکی از بندرگاه‌های قاچاق مهاجران تبدیل شده است. به گفته او، در چند سال اخیر تردد پناهجویان در بخش‌های ترکیه افزایش یافته و روی همین دلیل، آمار بازداشتی‌ها نیز چشم‌گیر بوده است. در سال ۲۰۱۳ در ۲۵۱ رویداد، بیش از ۶ هزار و ۹۳۷ پناهجو از سواحل ترکیه بازداشت شده‌اند.

از این تعداد، ۷۱ تن آنان متهم به قاچاق انسان شده‌اند. بر اساس آمارهای ارائه شده، در سال ۲۰۱۴ در ۵۱۰ حادثه در آبهای دریای مدیترانه، ۱۲ هزار و ۶۵۱ پناهجو و ۶۷ قاچاق‌پر انسان بازداشت شده‌اند. در میان این افراد، پناهجویان افغانستان نیز شامل بوده، اما آمار دقیق آن مشخص نیست.

نشست رسمی مجلس به دلیل نبود موضوع، برگزار نشد



مجلس افزایش باید، نشست‌های عمومی در هفته‌ی سه روز برگزار خواهند شد. اما او کمیسیون‌های مجلس نمایندگان را به کم‌کاری در راستای تهیه‌ی آجندا متهم کرد و گفت، اگر آنان در کمیسیون‌ها کار نکنند و آجندا را آماده‌ی سازند، هیأت اداری حق تغییر روزهای کاری را ندارد. عرفان در ادامه افزود، حکومت نیز به برگزاری آجندای مجلس آمادگی ندارد: «تا کنون باید اعضای کابینه‌ی جدید برای دریافت رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شدند؛ اما هنوز این کار صورت نگرفته است».

غلام فاروق مجروح، عضو مجلس گفت، حکومت از یک سال بدین سو در کشمکش‌های انتخاباتی مصروف است و کمتر مسوده‌های قانون را برای تصویب به مجلس نمایندگان ارسال می‌کند. به گفته او، این موضوع سبب شده که مجلس نمایندگان با کمبود آجندا روبه‌رو شود. اما عرفان‌الله عرفان، نایب منشی مجلس گفت، کمیته‌ی رییسان به روز سه‌شنبه هفته‌ی گذشته تصمیم گرفت که بعد از این نشست‌های عمومی به روزهای دوشنبه و چهارشنبه برگزار شوند. او افزود، در صورتی که در آینده آجندای

را مکلف می‌کرد تا آجندا بسازد. عبدالرحمان رحمانی، عضو دیگر مجلس نیز نبود آجندا در نشست عمومی را مسئولیت‌گریزی از جانب هیأت اداری و کمیسیون‌های مجلس عنوان کرد.

به گفته او، در حال حاضر موضوعات کشوری زیادی هستند که باید در مجلس نمایندگان روی آن بحث شود؛ اما به دلیل بی‌توجهی هیأت اداری، نشست رسمی برگزار نشده است. در همین حال شماری از نمایندگان دیگر، حکومت را در کم‌کاری و نبود آجندا در مجلس مقصر دانستند.

اطلاعات روز: نشست عمومی دیروز مجلس نمایندگان به دلیل نبود آجندای کاری برگزار نشد و این مسئله با واکنش شدید شماری از اعضای این مجلس مواجه شد. برخی از اعضای مجلس هیأت اداری را به بی‌کفایتی متهم کردند و گفتند، تعطیل نشست‌های عمومی تأثیر منفی بر ذهنیت عامه در مورد کارکرد خانه‌ی ملت می‌گذارد.

بر اساس قانون وظایف داخلی مجلس نمایندگان، نشست‌های عمومی این مجلس برای بحث روی موضوعات ارائه شده از سوی کمیسیون‌های هجده گانه‌ی این مجلس باید به روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه برگزار شود. اما دوماه پیش کمیته‌ی رییسان کمیسیون‌های مجلس تصمیم گرفت که نشست‌های عمومی صرف به روزهای شنبه و چهارشنبه برگزار شوند.

اما دیروز (شنبه) نشست رسمی مجلس برگزار نشد. محمدحسین فهیمی، عضو این مجلس گفت، هیأت اداری بدون اطلاع اعضای مجلس، نشست عمومی را برگزار نکرده است. او افزود، تعطیلی نشست‌های عمومی مجلس در این شرایط حساس، تأثیر منفی روی وضعیت عمومی و ذهنیت عامه در مورد کارکرد شورای ملی می‌گذارد.

فهیمی هیأت اداری مجلس نمایندگان را متهم به بی‌مسئولیتی کرد و گفت، آجندا را کمیته‌ی رییسان می‌سازد و هیأت رهبری باید کمیته‌ی رییسان

۴،۹۹

افغانی فی دقیقه

با این‌ران در تماس باشید

این هزینه از قبل فعال گردیده است - بدون فیس اضافی



افغان بی‌سیر
Afghan Wireless

برای معلومات بیشتر به ۱۵۲ در تماس شوید یا پیام ارسال کنید
و یا به ۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ تماس بگیرید.

www.afghan-wireless.com

